

بِسْمِ اللَّهِ

قم، خیابان صفائییه، کوچه ۳۷،
کوچه شهید حرمی (نامه)، پلاک ۸
تلفن: ۷۸۳۲۸۰۲ فاکس: ۷۸۳۲۸۰۳
(۰۲۵۱)

همراه: ۰۹۱۲۱۵۳۸۸۰۸
چکیده اندیشه‌ها آشنایی با
دیدگاه‌های
حضرت آیت الله العظمی صانعی
(مدظله العالی)

ناشر: انتشارات میثم تمار
تدوین: معاونت فرهنگی - هنری
مؤسسه فقه الثقلین
قطع: پالتویی چاپ: نگین
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ: هشتم / بهار ۱۳۹۰
بهاء: ۷۰۰ تومان
کلیه حقوق برای ناشر محفوظ
است

شابك: ۵ - ۲۷ - ۲۷۸۶ - ۹۶۴ -
.۹۷۸

مراکز پخش: فروشگاه اینترنتی
کتاب:

پخش کتاب دریای www.p-khorshid.ir
دانش:

تهران: خ انقلاب، خ فخر رازی،
کوی فاتحی داریان، پلاک ۳۹
تلفن: ۶۶۹۷۷۹۶۴ - (۰۲۱)
همراه: ۰۹۱۲۱۷۲۵۸۰۰

عنوان

حضرت آیت الله العظمی صانعی (مدظله العالی)

هرگاه در دنیای متلاطم امروز، حصار تنهایی وجودم را فرا می‌گیرد، وقتی می‌بینم برخی با هدایت اهل تزویر به شکوه تمدن اسلامی و عظمت اسلام و تشیع حمله می‌کنند و دین را منبع ترور و تروریسم می‌پندارند، درد تمام وجودم را پر می‌سازد. در این لحظه‌ها به یاد خدا و ائمه مظلوم شیعه می‌افتم؛ به یاد مردان و زنانی که در طول تاریخ صبر کردند، مبارزه کردند ولی تسلیم نشدند و تمام قدرتها را به نقد کشیدند.

در توفان حوادث تنها یاد خدا و یاد مصلحی که خواهد آمد و آرامش، عدالت و انسانیت را به منصفه ظهور خواهد رساند آرامم می‌کند؛ مصلحی که نجات‌بخش جهان است و ما را به کمال می‌رساند و عقول ما را کامل می‌سازد و رؤیای بشریت را محقق

ميسازد .

انسان و حقوق بشر از دیدگاه حضرت آیتالله العظمی صانعی

از نظر اسلام، انسانها در هر پست و مقامی و از هر رنگ، نژاد و مکتبی با هم برابر هستند، یعنی همه انسان هستند.

در اسلام روح دموکراسی، آزادیخواهی، عدالت، برابری و حقوق بشر موج میزند. اسلام برای تمام انسانها ارزش قائل است و در این خصوص فرقی میان مسلمان، یهودی، مسیحی، زرتشتی و... نیست.

پاسخ به مسائل شرعي
دفتر حضرت آية الله العظمي
صانعي (مدظله العالي)

دفتر قم - تلفن : ۱۰ -
- ۶۲ - ۷۷۴۴۷۶۷ - ۷۷۴۴۰۰۹
۷۸۳۱۶۶۰

نمبر: ۷۷۳۵۰۸۰ - ۰۲۵۱
نشاني: پل حجتیه - خیابان
شهید محمد منتظري - کوچه ۸ -
پلاک ۴ کدپستي ۳۷۱۳۷۴۴۳۶۹
آدرس دفتر تهران -
تلفن: ۶۶۵۶۴۰۰۰ - ۶۶۵۶۴۰۰۱
- ۶۶۵۶۴۰۰۲ - ۶۶۵۶۴۰۰۳
۶۶۵۶۴۰۰۴

نمبر: ۶۶۵۶۴۰۰۵ - ۰۲۱
خیابان کارگر جنوبي - بين
جمهوري و آذربايجان - کوچه
کامياب - پلاک ۱۷

آدرس اينترنت: www.saanie.org
پست الکترونيک

پاسخ به استفتائات
تماس با دفتر معظم له
تهيه کتاب

سرويس پیام کوتاه: ۳۰۰۰۷۹۶۰

عنوان کوتاه

برخي از نظرات فقهي حضرت آية الله العظمي صانعي (مدظله العالي)

- ۱ - عدم شرطيت مرد بودن در مرجعيت ديني.
- ۲ - عدم شرطيت مرد بودن در كليۀ مناصب حكومتي.
- ۳ - عدم شرطيت مرد بودن در قضاوت.
- ۴ - تساوي زن و مرد در قصاص نفس و اطراف.
- ۵ - تساوي ديه زن و مرد در ديه نفس و اطراف.
- ۶ - زن در صورتي كه شوهر وارث ديگري نداشته باشد، تمام اموال شوهر را ارث مي‌برد.
- ۷ - ارث بردن زن از همه اموال شوهر (از عين منقولات و از قيمت غير منقول).
- ۸ - عدم حرمت خروج زن از منزل بدون اجازه شوهر، در مواردی كه خلاف شئون مرد و يا خلاف حق استماع مرد نباشد.
- ۹ - عدم نياز به اذن شوهر در نذري كه مربوط به خود زن مي‌باشد و يا در مال خود مستقل باشد، در صورتي كه

خلاف حق استمتاع مرد نباشد.

۱۰ - طلاق در دست مرد است، لیکن اگر زن مهریه خود را ببخشد و تقاضای طلاق نماید، بر مرد واجب است او را طلاق دهد.

۱۱ - مادر هم مانند پدر در قتل فرزند قصاص نمی‌شود، مگر آن که مرگ به علت اغراض شخصی مانند دشمنی و طمع در مال و پست و ریاست و یا فاش نشدن خیانتها و امثال آن باشد که در آن صورت اصل کلی قصاص، هم در مورد پدر و هم در مورد مادر ثابت است.

۱۲ - با نبود پدر، مادر بر طفل و اموال او ولایت دارد و بر پدر بزرگ مقدم است.

۱۳ - ازدواج موقت مختص به شرایط خاص می‌باشد و نه به عنوان عدل ازدواج داریم.

۱۴ - مال و جان غیر مسلمان همانند مسلمان محترم است.

۱۵ - دیه غیر مسلمان با دیه مسلمان برابر می‌باشد.

۱۶ - تساوی غیرمسلمان و

مسلمان در قصاص.

۱۶ مقدمه
۲۳ خداوند رحمان
۲۳ اسلام
۲۴ چهره حقيقي اسلام
۲۵ قرآن و فطرت انسانها
۲۶ حج
۲۷ مدينه و غربت بقیع مشي و روش پیامبر اکرم (صلي الله
۲۹ عليه و اله)
۳۱ هدف پیامبران
۳۲ ادیان الهی
۳۳ جامعه اسلامي
۳۴ موازين اسلامي
۳۵ اسلام و مسیحیت
۳۶ عیسی مسیح، پیامبر بزرگ خدا
۳۶ اسلام دین همزیستی
۳۷ اسلام، علم و قضیلت
۳۷ اسلام و موضوع فکر و اندیشه اسلام و نفی جمود فکري و
۳۸ واپسگرایی
۳۸ اسلام و خرافات
۴۰ اسلام و اختلاف فکري
۴۰ اسلام و نشاط
۴۱ اسلام، جوان و زیبایی

۴۲	اسلام و جوانان
۴۳	اسلام و هویت فرهنگی جوانان
۴۴	اسلام و مردم
۴۵	اسلام و انسان
۴۵	اسلام و آزادی‌های انسان
۴۶	مردم سالاری دینی
۴۷	اسلام و دموکراسی
۴۸	اسلام و ترور
۴۹	اسلام و شهادت
۵۰	اسلام دین منطق
۵۱	اسلام و حقوق بشر
۵۳	اسلام و اقتصاد
۵۴	اسلام و بهداشت
۵۴	اسلام و کثرت نسل
۵۵	اسلام و حقوق حیوانات
۵۶	اسلام، دین صلح و آرامش
۵۶	اسلام و قوانین اجتماعی
۵۷	اسلام و نفی خشونت
۵۸	اساس تشیع
۶۰	مکتب شیعه
۶۰	اجتهاد در مکتب شیعه
۶۱	شیعه و تنفر از ترور
۶۳	حضرت علی (علیه السلام)
۶۴	حضرت فاطمه زهرا (س)
۶۶	درسهای عاشورا
۶۷	مصلح جهانی
۶۸	نشانه‌های ظهور
۶۹	انسان و مسئله زمان ظهور
۷۰	مهدویت و دموکراسی
	مصلح جهانی و نفرت بشریت از جنگ
۷۱	
۷۲	حوزه علمیه قم و نجف
۷۳	وحدت عالم اسلام
۷۴	انسان، دین و سیاست
۷۵	انسان و مذاهب

۷۶ انسان، آزادي و عدالت
۷۷ انسان و تحول و تکامل
۷۷ گفت و گوي فرهنگي
۷۸ اختلافات فرهنگي
۸۰ راه مقابله با فرهنگ بيگانه
۸۱ فرهنگ و هنر تصويري
۸۱ مرگ در فرهنگ اسلامي
۸۲ تحول در عرصه فکر و اندیشه
۸۳ امام خميني
۸۴ امام و خرافات
۸۵ امام و مبارزه مسلحانه
۸۵ امام و اصل جمهوريت
۸۶ ميراث امام خميني
۸۷ ميراث انقلاب اسلامي
۸۸ جمهور مردم
۸۹ مردم و انتخابات
۹۰ مردم و حکومت
۹۰ رأي مردم
۹۱ عقل و خرد
۹۲ تحقيق و دانش
۹۲ مسئوليت اهل قلم و بيان
۹۳ اصلاح طلبي
۹۳ غرور، تکبر و قدرت
۹۴ قانون قصاص و کرامت انساني
۹۵ افراطي گري و خشونت
۹۵ روح حقوق بشر و عدالت خواهي
۹۵ برابري حقوق انسانها
۹۶ حقوق ديگران
۹۷ حقوق زنان و مردان
۹۸ ارزش وجودي زن
۹۹ رابطه زن و شوهر
۱۰۰ قدرتمندان و حقوق بشر
۱۰۰ قدرتمندان و حق آزادي
۱۰۲ منشور ملل متحد

۱۰۲	تحقیر.....	تروریسم مولود فقر، استبداد و
۱۰۴	تروزیستها در قعر جهنم هستند...	
۱۰۴	بشریت، خشونت و جنگ.....	
۱۰۴	انرژی هسته ای.....	
۱۰۶	شبه سازی.....	
۱۰۷	ایدز و آگاه سازی جامعه.....	

مقدمه

جهان امروز، با تمام اطلاعات و داده‌های مختلف، مانند دهکده‌های کوچک می‌ماند که در کوتاه‌ترین زمان، کوچک‌ترین و بزرگ‌ترین مسائل پیرامونی ما را منعکس می‌کند و تمام فعل و انفعالات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ما را در مقابلمان نمایان می‌سازد؛ اما همین دهکده با آن همه عظمت و شکوهی که در خود جای داده، ناتوان از ترسیم و تصویر تاریخ و هویت دینی و ملی ما می‌باشد، حتی گاهی دیده شده که اطلاعات ارائه شده برای نسل جدید و دنیای غیر از اسلام با افکاري مغشوش، درهم و متضاد

همراه بوده است. این سیر تبادل اطلاعات و حرکتهاي گوناگون را باید با آنچه که بوده و آنچه که هست تلفیق کرد و از پیوست عهد سنت و دوران مدرن به خوبی استفاده نمود تا در عصر جهانی شدن هضم نگردید و به خوبی از تمام ظرفيتهاها و موقعيتهاي جهان الكترونيك و تاريخ مکتوب ملتها استفاده بهينه کرد.

با همین نگاه به دنيای امروز، که نشر مکتوب جایش را به الكترونيك داده و کتاب جای خود را در سبد خانواده ایرانی باز نکرده، باید از اطناب و زیاده گویی پرهیز کرد و یا آن را کم کرد و به جای آن به ذکر مسائلي پرداخت که با يك نگاه بتوان گنه اندیشه بشري را دریافت.

بر همین اساس، معاونت فرهنگی و مطبوعاتي مؤسسه فقه الثقلين با احترام به تمام آنچه که در دنيای انتزاعي نسل امروز شکل گرفته و با حفظ میراث ماندگار تاريخ پرافتخار شیعه و

علمای مجاهد و آگاه، به تدوین و تنظیم چکیده‌ای از اندیشه‌های مرجع

نواندیش و فقیه اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) حضرت آیت الله العظمی صانعی (مدظله العالی) پرداخته تا در راستای این حرکت به آنچه که این مرجع در آشنایان در طول سالیان به آن می‌اندیشیده و در پی سالها مطالعه و تلمذ در محضر امام خمینی (سلام الله علیه) و ممارست در تاریخ فقه و حدیث به آن دست یافته، در مجموعه‌ای موجز و مختصر تقدیم علاقه‌مندان و دوستداران آگاهی و آزادی نماید.

وقتی این مجموعه را آماده می‌ساختیم، یاد سخنی از معظم‌له افتادیم که در دیدار با ایشان می‌فرمودند:

«هرگاه در دنیای متلاطم امروز، حصار تنهایی وجودم را فرا می‌گیرد، وقتی می‌بینم برخی با هدایت اهل تزویر به شکوه تمدن اسلامی و عظمت اسلام و تشیع حمله

می‌کنند و دین را منبع
و سرچشمه ترور و
تروریسم می‌پندارند،
درد تمام وجودم را پر
می‌سازد. در این
لحظه‌ها، به یاد خدا
می‌افتم، به یاد ائمه
مظلوم شیعه می‌افتم و
به یاد مردان و زنانی
که در طول تاریخ، صبر
کردند، مبارزه کردند
ولی تسلیم نشدند و
تمام قدرتها را به نقد
کشیدند. با خود
می‌اندیشم من در مقابل
این همه ایثار و
فداکاری نیاکانمان چه
می‌توانم بکنم. باید
سکوت کنم، یا به نحوی
صدایم را به گوش
جهانیان برسانم که
اسلام این نیست که
می‌شنوید و برای شما
ترسیم کرده‌اند، از
طرفی می‌بینم که قدرت
اجرایی ندارم و از
داشتن تریبون اختصاصی
هم محروم می‌باشم. پس

چه باید کرد؟ به این نتیجه رسیدم که باید همیشه در دیدار با اهل قلم و مطبوعات، حقوقدانان و آزادیخواهان علاقه‌مندان، از اسلام، آگاهی و آزادی بگویم؛ از زیبایی و لطافت دین سخن بگویم؛ بگویم که از نظر اسلام، انسانها در هر پست و مقامی و از هر رنگ، نژاد و مکتبی با هم برابر هستند، یعنی همه انسان هستند...

معظم‌له ادامه دادند: در توفان حوادث، تنها یاد خدا و یاد مصلحی که خواهد آمد و آرامش، عدالت و انسانیت را به منصفه ظهور خواهد رساند، آرام می‌کند و با همین حس به همه دیدارکنندگان می‌گویم که مصلح و نجات بخش جهان کسی است که ما را به کمال می‌رساند و

عقول ما را کامل
می‌سازد و رؤیای بشریت
را تحقق می‌بخشد. او
کسی است که دلها و
قلبها را به هم نزدیک
می‌سازد و چون رسول
گرامی اسلام که رحمة
للعالمین نامیده می‌شد،
رحمت، آرامش، محبت و
انسانیت را به ما
ارزانی می‌دارد...»

فقیه نواندیش شیعه با
یادآوری آلام و دغدغه‌های خود،
این سبک کار را نیز تأیید
کردند و دعای خیرشان را بدرقه
راهمان ساختند.

ما نیز با همین اندیشه و
همین احساس مسئولیت به تدوین و
تنظیم این مجموعه پرداختیم.
ناگفته نماند که منبع و مأخذ
این دفتر، از خلال مصاحبه‌ها،
سخنرانی‌ها و بحث خارج فقه حضرت
آیت الله العظمی‌صانعی استفاده شده
و در دفتر مؤسسه موجود می‌باشد.
امیدواریم در چاپهای بعدی
نواقص آن برطرف گردد و ما نیز
با مطالعه در حوزه‌های دیگر

تفکرات ایشان، مجموعه ای کاملتر
را عرضه بداریم.
آرزو می‌کنیم مردان و زنان
مسلمان و غیر مسلمان و مخصوصاً
نسل جوان ضمن آشنایی با
دیدگاه‌های معظم‌له، نسبت به
دنیای تزویر، اوهام و
پرداخته‌های مخالفان اسلام و
انسانیت نیز آشنایی بیشتری
پیدا کنند و روز به روز به
افق‌های بلند و روشن اسلام
نزدیکتر شوند.

معاونت فرهنگی و مطبوعاتی
مؤسسه فقه الثقلین
بهار ۱۳۸۷

خداوند رحمان

انسان زماني به بندگي خدا و اطاعت او مي‌رسد كه درك بکند خدائي مهربان دارد؛ خدائي كه سراسر لطف است و رحمتش بر غضبش برتري دارد.

چنين انساني خدمت به جامعه و هدايت انسانها را نيز در سرلوحه افكار خود قرار مي‌دهد و مرگ او نيز افتخار خواهد بود.

اسلام

دين اسلام ديني است كه داعيه جهاني بودن دارد، لذا بايد آن را به گونه‌اي معرفي كنيم كه انسانها پذيراي آن باشند؛ مبناي اسلام بر سهولت است نه بر سختگيري و خشونت. چنانچه رسول گرامي اسلام حضرت محمد بن

عبدالله (صلي الله عليه وآله) فرمودند: «بِعْتَى بِالْحَنِيفِيَةِ السَّهْلَةَ السَّمْحَةَ»^۱.

چهره حقيقي اسلام

من منتظر روزي هستم كه بتوانم در مقابل حقوقدانان جزايي و مدني، روشنفكران و تحصيل کرده ها و شخصيت هاي متفكر جهاني، از اسلام صحبت كنم و آنها را با ابعاد انساني و حقيقي اسلام و چهره رهايي بخش تشيع آشنا نمايم. به آنها ثابت خواهم كرد كه در اسلام روح دموكراسي، آزادي خواهي، عدالت، برابري و حقوق بشر موج مي زند. اسلام علاوه بر رعايت حقوق همه ابناي بشر، حتي به حقوق حيوانات نيز توجه دارد؛ اسلام تمام حقوق انسانها را بيان کرده و نسبت به آن احترام قائل است؛

اسلام طرفدار دوستي و محبت و صلح است و هيچ گاه بر دشمني و جنگ با افراد تكيه نكرده است؛ اسلام، مجموعه اي از قوانين و دستورات است كه بسيار سهل و

آسان است و هیچ قانون مشکلی را برای انسانها قرار نداده و با هرگونه خشونت، ظلم، بی‌عدالتی مخالف است و چنانچه این آیین خوب بیان شود، همه انسانها آن را می‌پذیرند.

قرآن و فطرت انسانها

قرآن با فطرت انسانها هماهنگ است و فطرت اسلام و انسانها نیز مخالف ظلم و تضييع حقوق انسانهاست.

فطرت اسلام، فطرت منطق و گفتن و شنیدن است. تمام سوره‌های قرآن به استثنای سوره براءت فریاد می‌زنند که قوانین قرآن، قوانین مهر و محبت و سهولت است. «وَمَا ارسلناك الا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»^۱ «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ»^۲.

اهانت به انسان نیز در فرهنگ قرآن و فرهنگ ائمه (عليهم السلام) هیچ جایگاهی ندارد. قرآن با صراحت می‌گوید «وَقُولُوا لِلنَّاسِ

۱ - سورة انبياء , آية ۱۰۷.

۲ - سورة بقره , آية ۱۸۵.

حُسن»^۱ در سخن گفتن با مردم باید رعایت حسن و نیکی بشود و در کتابهای فقهی ما هم آمده است که اهانت به افراد گرچه مسلمان نباشند، تعزیر و مجازات دارد چه رسد به این که توهین به ادیان و مذاهب الهی باشد.

حج

در حج، انسانها خود را به قربانگاه می‌برند و می‌نگرند که آیا می‌توان همه چیز را فرو ریخت و پاک به سوی خدا رفت. حج، میراث بزرگ ابراهیم و محمد (ص) است که به همه خداجویان می‌فهماند که اگر می‌خواهی به مفهوم واقعی کلمه "آدم" باشی به سوی ما بیا و از خودت فاصله بگیر و خدایی شو. حج، پایگاه و جایگاه ابراهیم بت شکن، اسماعیل تسلیم، هاجر فداکار، محمد، علی و فاطمه زهرا (صلوات الله علیهم) است و حاجی بر گرد خانه‌ای می‌گردد و به کسی لبیک می‌گوید که می‌خواهد لباس منیت و خودخواهی را از تن

بیرون کند و چون اسماعیل، عاشقانه به مذبح عشق بشتابد و با معرفت به سعی صفا و مروه روی آورد و همه چیز را در آنجا قربانی کند و گرنه جز انجام وظیفه ظاهری و اسقاط تکلیف بهره دیگری نمی‌برد.

مدینه و غربت بقیع

وقتی در کوچه پس کوچه‌های مدینه راه می‌روی، هنوز بوی پیامبر و علی و فاطمه (علیهم و علی آلهم السلام) را استشمام می‌کنی. اگر عاشق باشی هنوز در کوچه‌های مدینه بوی سلمان، ابوذر، مقداد و عمار می‌آید. وقتی وارد مدینه می‌شوی، وقتی نگاهت به قبرستان بقیع می‌افتد، غربت بقیع و مظلومیت خاندان رسول گرامی اسلام تو را در خود می‌پیچاند و دیدگانت را پر از اشک می‌سازد و قلبت را به تپش وا می‌دارد؛ گامهایت لرزان می‌شود، ولی نگاهت دور دورها را می‌نگرد و فکر می‌کنی که آیا می‌شود آن همه مظلومیت و ستم را فراموش کرد؟ آیا می‌توان ضجه‌های

نالان زهراي اطهر را نشنيد و
سكوت و خانه نشيني علي
(عليه السلام) را نديد و شهادت
حسنين (عليهم السلام) و ادعيه
زين العابدين و صحيفه سجاديه او
را كه دنيايي از معارف اسلامي
را در لسان دعا مطرح کرده
نديد؟ آيا مي‌توان فراموش کرد
كه اين بزرگان چه شاگرداني
همچون زراره‌ها و ابن مسلم‌ها را
تربيت کرده و احكام الهي را به
ما رسانده‌اند؟ آيا مي‌توان حضرت
باقرالعلوم و فرزند بزرگوارش
امام جعفر صادق (عليهما السلام)
را كه علوم اسلامي و شيعه اثني
عشري را پايه‌گذاري کردند و با
تحمل انواع اذيتها و آزارها و
زندانها به دست ما سپردند
فراموش کرد؟ آيا صبر و مقاومت
زينب كبري را مي‌توان به
فراموشي سپرد؛ اينها تمام هويت
و پيشينه ما هستند و ما با اين
همه زندگي مي‌كنيم، عشق مي‌ورزيم
و تربتشان را طوطيائي چشم
مي‌سازيم. در اين لحظه‌ها دوست
داريم بر آن همه غربت و
مظلوميت اهل بيت (عليهم السلام)
و ظلم و ستم و تماميت‌خواهي

بنیامیه و بنیعباس و همه
ستمگران تاریخ فریاد بر آوری،
اما نمی‌توانی، بغضت می‌ترکد و
به ناچار آرام و آهسته سرشک
اشک از گونه‌هایت جاری می‌گردد و
زمزمه کنان به نیاش می‌پردازی و
به سراغ زیارت جامع‌ه کبیره و
امین الله می‌روی تا روح تو را
پالایش کنند. و اینها همه نشانه
مبارزه تو با مظاهر کفر و ستم
است. آیا می‌توان این همه را به
فراموشی سپرد؟

مشي و روش پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله)

قرآن روش پیامبر مکرم اسلام و
مشي او و همه کسانی که
دنباله‌رو او هستند را در سوره
یوسف (علي نبينا و آله و عليه
السلام) بیان کرده و نشان داده
است که چه باید بکنند. قرآن با
آن بیان مبین و زیبای خودش به
نبی مکرم اسلام فرمان می‌دهد که
به دیگران بگو روش من دعوت بر
اساس بصیرت است:

«قل هذه سبيلي ادعوا الى الله على بصيره انا

و من اتبعنی»؛^۱ یعنی من شما را به علم و کمال مطلق دعوت می‌کنم.

قرآن تأکید می‌ورزد که پیروان الهی باید چنین روشی را در پیش گیرند: «انا ومن اتبعنی». یعنی خط مشی پیامبر و تمام تابعان نبی مکرم (صلي الله عليه و آله) برای دعوت به طرف خدا باید با بصیرت باشد، در غیر این صورت (دعوت با خشونت و اجبار) به استبداد، اختلاف و خفقان منتهی می‌شود و این راه خدا، رسول الله و ائمه شیعه نیست.

پیامبر، رسالت آسمانی خود را با خلق نیکو، اندیشه، حکمت، پند و اندرز پیش برد. قرآن نیز پیامبر را رحمة للعالمین می‌داند که طی بیست و سه سال رسالتش آن همه مورد آزار و اذیت دشمنانش قرار گرفت، اما يك بار آنها را نفرین نکرد، بلکه هدایت آنها را از خداوند طلب نمود. پس چه عواملی باعث می‌شود که از این پیامبر با آن

همه مهرباني و خوبي، چهره اي
خشن ترسيم مي‌کنند؟ آيا غير از
ايجاد دشمني، هدف و نفع ديگري
در کار بوده است؟

هدف پیامبران

هدف از فرستادن پیامبران و
آمدن کتب آسماني، اقامه قسط
است. حرکت در مسير پیامبران
باید به نحوي باشد که مردم از
درون به حقّ خودشان قانع بشوند.
اسلام ديني است که مردم باید
خود در آن قائم به قسط شوند،
«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ
لِيُقِمْ النَّاسَ بِالْقِسْطِ»^۱ اسلام دين مردم و
دين رحمت است.

همه پيروان اديان آسماني و
همه انسانهاي اهل اندیشه و خرد
وظيفه دارند که براي عدالت،
انصاف، صلح و رسيدن انسانها به
حقوقشان - که همان قسط و عدل
است - قيام نمايند و از هر
فرصتي براي توجه بشريت به خدای
بزرگ و اهداف پیامبرانش حداکثر
استفاده را بنمايند.
قرآن مي‌گويد ما به طور قطع و

یقین پیامبران و رسل و رهبران الهی و آسمانی را با ادله زنده و روشن که بیانگر رسالت آنهاست فرستادیم. خداوند آنها را با برنامه آسمانی و قوانین الهی همراه با عقل و خرد فرستاد تا مردم از درون و از وجدان و باور دینی خود اهل قسط و عدالت باشند.

ادیان الهی

بر اساس بینش ما ادیان الهی کارشان هدایت است نه جنگ و درگیری. البته نباید فراموش کرد که دفاع امر مشروعی است که همه بشریت آن را قبول دارد.

همه ادیان الهی اساس سعادت بشر را تکامل عقل و اندیشه می‌دانند و اولین چیزی که خداوند بر حسب مرتبه خلق کرده، عقل و فکر بوده است.

از دیدگاه ادیان الهی، همه انسانها فرزندان آدم و حوا هستند و در حقوق انسانی با یکدیگر برابرند، لذا هرچه ما بیشتر در زمینه مساوات حقوقی بشر تفکر کنیم و بیندیشیم، به

ادیان و بشریت خدمت کرده ایم .
ما می‌گوییم دروغ بد است، ظلم
بد است، همسایه آزاری بد است،
سایر ادیان هم این را می‌گویند.
ما می‌گوییم مردم باید رأی
بدهند و حقوق مردم با مردم
است. آنها هم این را می‌گویند،
پس ما با سایر ادیان اختلافی
نداریم .

جامعه اسلامي

به جامعه‌اي اسلامي می‌گویند که
مردم شخصاً در امور مربوط به
خودشان تصمیم بگیرند و خود بر
سرنوشت خویش حاکم باشند.
جامعه‌اي اسلامي است که
اندیشمندان، خردورزان و
عقلمداران بسیاری را در خود
تربیت کرده باشد و انسانها
برای تعالی علم و دانش فعالیت
کنند و ایمان و تعهد واقعی به
ارزشهای دینی انسانی در آن
متبلور باشد. در چنین جامعه‌اي،
متملقان، چاپلوسان و
خردستیزان، جایشان را به
اندیشمندان، حکیمان، متفکران و
منتقدان می‌دهند. در این صورت،

دیگر استبداد و تک روی مفهوم ندارد و شور و مشورت و خیرخواهی و... همه جا معنا پیدا می‌کند و اداره امور نیز به نحو بهتری انجام می‌گیرد. جامعه ایده آل اسلامی، جامعه‌ای است که در آن، حقوق همه انسانها حفظ بشود و انسانها در راه رسیدن به حقوق خود آزاد باشند و برابری و قسط و عدل در آن حکم فرما باشد و هیچ گونه فشاری بر مردم وارد نگردد. جامعه ایده آل جامعه‌ای است که ارزشهای اسلامی و انسانی در آن حفظ شود و عقل جمعی بر عقل فردی حاکمیت داشته باشد.

موازین اسلامی

برای ما موازین اسلامی مطرح است. بر این اساس ما معتقدیم توده مردم در امور خودشان و در سرنوشتشان باید نظر بدهند. اگر توده مردم در آرای مستقیم و غیر مستقیم حضور نداشته باشند، به نظر من خلاف موازین و عنوان جمهوری است.

اسلام و مسيحيت

قرآن مهمترين و با افتخارترين سند ديني است كه به دفاع همه جانبه از مسيح و مادرش مريم طاهره (عليهما السلام) پرداخته و قداست و پاكي آنها را در ميان ميليونها مسلمان، متبلور ساخته است و آن را به صورت يك فرهنگ ديني و اعتقادي در آورده است، پس چگونه برخي به خود اجازه مي دهند كه سخنان اختلاف برانگيز و دروغهاي آشكار را مبناي قضاوت خود قرار دهند؟ مسيحيان با ايمان جهان بايد با نگاهی به احكام نوراني اسلام كه بر پايه اندیشه و عقل، صلح و صفا و انسان دوستي و محبت استوار شده است، به روابط صميمانه مسلمانان و مسيحيان و ارزش و احترامی كه بزرگان مسيحيت و رهبران گذشته براي اسلام و مسيحيت قائل بوده اند لطمه اي وارد نشود و به خشونت برخاسته از ترور و تروريسم دامن نزنند و راه را براي اهانت به مقدسات پيروان اديان

الهي هموار نسازند.

عيسي مسيح، پیامبر بزرگ خدا

عيسي مسيح (عليه السلام) هم مانند همه پیامبران الهي منادي صلح است. او با پیام دوستي و محبت و پرستش خدای واحد، به میان خلق خدا رفت و آنها را به سوي وحدانیت فراخواند. عيسي مسيح با مادر پاك و مطهرش در میان مردمی زندگی می‌کرد که نمی‌توانستند او و پیام بزرگش را درك کنند و پس از این که به پیامبری مبعوث شد، سختی‌ها و مرارتهای فراوان را تحمل کرد تا اینکه به ارادة خداوند از دیده‌ها پنهان شد و به آسمانها عروج کرد. ما معتقدیم که او برای اتمام مأموریت خود و برای این که بشریت را به سوي صلاح و شایستگی دعوت‌کنند پس از هبوط به زمین به منجي عالم بشریت، امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) اقتدا می‌کند و با آن حضرت همراهی خواهد کرد.

اسلام دین همزیستی

از روزي که مسيحيان به مدينه آمدند و بحث از دين پيامبر شد هميشه سخن از منطق و دليل و گفتار و ارزش نهادن به مقدسات يکديگر بوده است؛ زيرا اسلام دين همزيستي است.

اسلام، علم و فضيلت

اسلام همانگونه که طرفدار صلح و عدالت است و با هرگونه خشونت، ظلم و آزار بشريت مخالف است به همان نحو طرفدار علم، فضيلت و عقل و خرد است. اصولاً يکي از زيربناهاي ارزنده اسلام در کنار کتاب و سنت، عقل است. ما امروز در برابر دنياي متمدن افتخار ميکنيم که طرفدار و پيرو ديني هستيم که اساس و زيربنائش عقل و خرد است.

اسلام و موضوع فکر و اندیشه

در اسلام بايد فکر و اندیشه را با اندیشه پاسخ داد و جواب قلم را با قلم داد. از نظر اسلام زندان فقط براي موارد

محدود مثل جرایم اجتماعی مثل دزدی و قتل و غیره کاربرد دارد. در اسلام باب سؤال و انتقاد باز است و حتی نصیحت حاکمان امری لازم و مطلوب است.

اسلام و نفی جمود فکری و واپسگرایی

جمود فکری، پاشیدن بذر نفاق بر روی ظواهر اسلام است و موجب از بین رفتن رشد و تعالی اسلام می‌گردد. اگر آینده اسلام را با عقل و خرد و با بینشی که بنیانگذاران فقه شیعه داشته‌اند نگاه کنیم، بسیار زیبا و متعالی خواهد بود همان طور که با دید ارتجاعی و واپسگرایی، هیچ پیشرفتی نخواهد داشت؛ اصولاً پیشرفت اسلام بدون توجه به عقل، قابل قبول نیست.

اسلام و خرافات

ترویج خرافات از مغزهای کوچک بر می‌تابد و مغزهای متحجر نیز آن را تبلیغ می‌کنند و فرهنگ غنی اسلام از آن بی‌نیاز است. البته برخی

طراحی این عمل را با نقشه هدفمند دنبال می‌کنند، ما نیز باید اندیشه و تفکر صحیح اسلامی و شیعی را ترویج کنیم و در حد توان، نقشه آنها را خنثی کنیم. البته این کار خیلی دردسر دارد چرا که مبارزه با خرافات یعنی مبارزه با تاجر و واپس‌گرایی.

اسلام از تاجر و گروه‌هایی نظیر خوارج بیزار است، باید این دین را دین آزادی بدانیم، نه دین بردگی و قیمومت، چرا که بر اساس قرآن کریم و آنچه که در آیه \square الكرسی می‌خوانیم، مردم يك قيم بیشتر ندارند و آن هم خداوند است، پس باید به مردم بگوییم که در نظام اسلامی فقط قانون خدا حاکم است.

هرگاه مردم از علم و اندیشه و فکر بازداشته شوند و نتوانند و یا احياناً نگذارند از دین واقعی و اسلام حقیقی استفاده کنند، طبیعی است که به جای گرایش به عقل و علم و دین، به سمت خرافات و موهومات و در واقع خلاف عقل و دین حرکت می‌کنند. و این مطلبي است که در

طول تاریخ اسلام وجود داشته است.

اسلام و اختلاف فکری

اساس پیشرفت بشر نیز همین اختلاف فکری است. اساساً اگر ما باب اختلاف فکری را در بین علما ببندیم، بالاترین خیانت را به علوم و فرهنگ اسلامی کرده ایم، همچنان که اگر جلوی اختلاف فکری را در جامعه بشریت بگیریم، علم و دانش، تحقیق و نوآوری، ابتکار و اختراع علم و دانش محکوم به مرگ هستند و جلوی پیشرفت بشر گرفته می شود و درب همه دانشگاه ها و کتابخانه ها و مراکز علمی و تحقیقاتی و صدها مرکز دیگر باید بسته شود، این روش به استبداد فکری منجر می شود، در صورتی که در اختلاف فکری، آزادی فکری نهفته است.

اسلام و نشاط

اسلام دین قید و بند نیست بلکه دین آزادی و نشاط است، به همین جهت عبادت و نماز با

نشاط، ثوابش بیشتر از نماز با
غم و غصه است.

اسلام، جوان و زیبایی

باید به جوانان آزادی بیشتری
داده شود و برای حل مشکلات آنان
به گونه‌ای فرهنگ سازی شود که
خود جوانان به سمت اعمال خلاف
شرع نروند. فرهنگ‌سازی برای
جوانی که زیبایی‌طلب است و
تازه‌یاب، مؤثرتر از فشار و
تهدید است.

اصولاً اسلام زیبایی‌طلب است
همچنان که فطرت بشر هم فطرت
زیبایی خواهی است.

اساساً اسلام برای عبادت و
بندگی جوان ارزش خاصی قائل
است. اولین کسانی که به پیامبر
اسلام (صلي الله عليه وآله)
گرویدند و ایمان آوردند جوانها
بودند و حتی یکی از اشکالهایی
که به پیامبر اسلام (صلي الله عليه
وآله) می‌کردند این بود که شما
جوانانمان را از ما گرفتید و
آنان را فاسد کردید، اینها
مسلمان شدند. در جریان نهضت
اسلامی ایران هم ابتدا جوانان
تحصیل کرده به انقلاب پیوستند و

قبل از هر صنف و هر جمیعتی جوانان دانشجو آمدند. بنده عقیده‌ام این است که نسل جوان امروز ما تشنه حقایق اسلامی است. ما اگر بتوانیم این حقایق را آن چنان که هست به آنها معرفی کنیم، خیلی راحت می‌پذیرند. اگر مشکلی برای جوانان وجود دارد، به این دلیل است که ما نتوانستیم آن چنان که باید و شاید این جوانها را با اسلام عزیز عملاً و قولاً آشنا سازیم و اسلام را دین سهل بدانیم، اسلام را دین خرد و عقل بدانیم، اجازه بدهیم سؤال کنند و سؤالشان را جواب بدهیم.

اسلام و جوانان

اسلام برای عبادت و بندگی جوان ارزش قائل است. بنده عقیده‌ام این است که نسل جوان امروز ما تشنه حقایق اسلامی است. ما اگر بتوانیم واقعیت دین را به آنها نشان دهیم، خیلی راحت و در کمال آگاهی می‌پذیرند، در غیر این صورت مشکل از ما می‌باشد که

نتوانستیم به چنین موفقیتی دست پیدا کنیم، به عبارت دیگر اگر بتوانیم اسلام را که دین آسانی، خرد و عقل است معرفی کنیم و اجازه بدهیم سؤال کنند و به شبهات آنها جواب بدهیم، به راحتی با موازین و اصول دین آشنا می‌شوند و با آن مانوس می‌گردند.

اسلام و هویت فرهنگی جوانان

جوانان ما باید با اصالت فرهنگی و هویت دینی‌شان آشنا شوند، باید آنها بدانند که خلیفه خدا در روی زمین هستند، ایرانی هستند و باید احساس شخصیت کنند. اگر نسل ما با این فرهنگ آشنا شود، دیگر هیچ فرهنگی نمی‌تواند اصالت و اعتبار آنها را بگیرد. با شناخت فرهنگ صحیح اسلامی، آشنایی با فرهنگ‌های بیگانه نیز مثبت است، چرا که هم برای خودش ارزش قائل است و خود را می‌شناسد و هم تحت تأثیر مدهای دیگران قرار نمی‌گیرد و هویتش سلب نمی‌شود.

اسلام و مردم

امروز اگر مردم ببینند دین با آن عظمت وسیله اعمال قدرت و اسیر حرفها و حرکتهای سخیف و بیارزششده، از آن رویگردان خواهند شد.

دین در هر زمانی میتواند با هر تمدنی هماهنگ باشد.

اساس اسلام بر ارزشهای انسانی، احیای عدالت و حفظ حقوق مردم استوار است.

اسلام دین منطق، عقل و خرد است و آنچه همواره میتواند به مسخ مذهب و آلوده ساختن آن بینجامد قدرت است نه مردم و انسانها.

مردم در اسلام نسبت به حقوق خود همه کاره اند. در اسلام هرگز عقل فردی بر عقل جمعی غلبه ای ندارد و مقدم نیست. در اسلام، این حرف که "من" می‌گویم و "من" دستور می‌دهم نیست و ارزش ندارد.

هدف اسلام انسان سازی از درون است و این انسان سازی با فشار و جنگ معنا نمی‌دهد. اسلام می‌گوید بیایید جلوی ظلم را بگیریم.

اسلام و انسان

من بر اساس مذهب شیعه معتقدم اصل بر کرامت و بزرگواری انسان استوار است و روزی سرشار از عدالت برای بشریت فرا خواهد رسید که ستمگران از جوامع طرد می‌شوند و یا به خود می‌آیند و افکار مخالف آزادی و عدالت انسانی از بین خواهد رفت. روند تحولات جهانی، بخصوص پس از جنگ جهانی دوم و تدوین منشور حقوق بشر و حقوق ملل نیز نشانه‌هایی از همین مدعاست. ما برحسب منطق قرآن معتقدیم که روزی خواهد آمد که در آن روز تنها عدالت، مهربانی و کرامت انسانی حاکم است.

اسلام و آزادی‌های انسان

اگر کسی بخواهد با استفاده از آزادی، به حقوق و آزادی دیگران لطمه‌ای وارد کند و به آنان ظلم نماید در واقع جلو آزادی دیگران را گرفته است و این امر، خلاف آزادی است. قدرتمندان باید توجه داشته باشند که آنچه امروز برای اصلاح

امور لازم است آزاد بودن مردم در بیان، عقیده و قلم است و مهمتر از آن، آزادی پس از بیان که باید از جانب قدرتمندان برای مردم تأمین شود. اسلام به آزادی‌های اساسی انسان توجه ویژه‌ای دارد. وقتی امنیت در جامعه برقرار باشد، تمام استعدادها شکوفا می‌شود، درحالی که با شیوع ترس همگانی و فشار و آزار، مفساد اجتماعی و اخلاقی در جامعه فراگیر می‌شود.

مردم سالاری دینی

مردم‌سالاری دینی به حاکمیتی اطلاق می‌شود که بر مبنای احترام به حقوق انسانها شکل بگیرد و تمام شهروندان در امنیت، آزادی، رفاه و آسایش زندگی کنند و بتوانند در پناه آن به تثبیت و تبلیغ ارزشها و آملهای دینی خود بپردازند. در حکومت مردم سالاری دینی، که بر اساس اندیشه دین‌مداری آزادانه شکل می‌گیرد، فساد، تهمت، استبداد و خفقان جایی ندارد و تمام انسانها به راحتی

می‌توانند از يك زندگی سالم، با نشاط و خلاق برخوردار باشند.

اسلام و دموکراسی

در اسلام دموکراسی به صورت کامل آن وجود دارد، زیرا اصل در دموکراسی رعایت حقوق همه انسانها است، و در اسلام حقوق همه انسانها به حساب آمده و حق هیچ کس نادیده گرفته نشده است. اگر کاستی و یا احیاناً تخلفی دیده می‌شود، مربوط به حوزه اجراست.

باید تلاش کنیم که به جهان نشان دهیم که اسلام و تشیع حامی و منشأ دموکراسی، آزادی و حقوق بشر و مخالف با تروریسم است. باید نشان دهیم که هر کس در هر کجا، فارغ از هر دین و مذهب و رنگ و نژاد، که برای رسیدن مردم به حقوق خود تلاش می‌کند، مورد علاقه اسلام و انسانهاست.

تأکید می‌کنم که از نظر ما دموکراسی به این معناست که در جمهوری اسلامی همه چیز با رأی مردم است و اگر مشکلاتی بروز و

ظهور می‌کند به دلیل عمل نکردن به فرهنگ اسلامی و اجرای قوانین می‌باشد، چون آزادی هیچ‌گاه به دین لطمه نمی‌زند؛ دین اسلام دین تحمیل و اجبار نیست. مردم را باید بسازیم تا خود عمل کنند.

اسلام و ترور

بسیار متأسفم که در غرب به اسلام به عنوان يك حامی تروریسم نگاه می‌کنند؛ چنین قضاوتی در مورد اسلامی که همه چیز آن عدالت و عاطفه است، جای تأسف دارد.

اسلام به ما اجازه نمی‌دهد حتی يك مورچه را زیر پا له کنیم، با این وصف چگونه می‌توان گفت که اسلام طرفدار ترور و تروریسم است. من در تمام مصاحبه‌هایی که با رسانه‌های خارجی داشته‌ام مکرراً گفته‌ام که اسلام با ترور و تروریسم مخالف است، اما چه کنیم که قدرتهای تبلیغی بزرگی به نفع تروریست‌ها فعالیت می‌کنند و مانع از این هستند که صدای ما به دنیا برسد، اما حامیان تروریسم نیز موفق

نمی‌شوند، انسانها با آدمکش‌ها مخالفاند و لذا اینها هیچ موقع نمی‌توانند پیشرفت کنند. همه وظیفه داریم این اندیشه متعالی را که اسلام دین صلح و صفا و معتقد به همزیستی مسالمت آمیز است، ترویج کنیم. از نظر اسلام قدرتمندان باید به گونه‌ای عمل کنند که میان مردم خود و سایر ملتها محبوب واقع شوند.

اسلام و شهادت

شهادت تنها مختص اسلام نیست، بلکه حقیقتی والا است که بشریت از روز ازل آن را درک کرده و در زندگی خویش بدان تحقق بخشیده است.

وقتی که دفاع از میهن، عزت و شرف ایرانی مسلمان، به آرمانهای بزرگ و معناداری تبدیل می‌شود، شهادت بُعدی فراتر از کشته شدن صرف و مرگ معمولی پیدا می‌کند. در حقیقت دفاع از فرهنگ، مذهب و ایمان و کشته شدن در راه آن است که مرگ را به شهادت تبدیل می‌کند. چنین کسی شهید و شاهد همواره زنده و

ناظر همیشگی ملت در طول سالیان می‌باشد.

شهادت امری شخصی است و کاملاً از نهاد اختیار و انتخاب آدمی سر بر می‌آورد و مفهومی است که خداوند در وجود انسان به ودیعه نهاده است.

شهادت و شهادت‌طلبی با اختیار و آگاهی و به پاس اهداف و آرمان‌های بلندی همچون دفاع از انسانها و انسانیت، آرمانهای بشریت و پایمردی در راه حفظ عزت و شرف رخ می‌دهد.

شهید، احیای آزادی، تحقق عدالت و برابری و تثبیت حقوق بشر را در سرلوحه افکار خود می‌پروراند.

شهادت از سر ایثار و فداکاری و از خویش گذشتن برای رسیدن به هدفی بس والاتر و ارجمندتر سرچشمه می‌گیرد.

شهید هرگز نمی‌میرد، بلکه همواره زنده است و ناظر بر جامعه خویش می‌باشد.

اسلام دین منطق

اسلام دین منطق و استدلال است.

از همین رو در قرآن به پیامبر می‌فرماید: مردم را با حکمت و سخن نیکو و مشی خردمندانه به سوی خدا دعوت کن، نه با زور و سر نیزه و قدرت. با این همه، این ابعاد انسانی اسلام چندان مورد توجه دیگر ادیان و مذاهب قرار نگرفته و برخی گمان می‌کنند که اسلام دین خشونت است. از طرفی ما در زمانه‌ای زیست می‌کنیم که بشریت به طرف صلح جهانی می‌رود و احترام و اقتدار و آینده ما نیز در پناه عقل و اندیشه تضمین می‌شود.

اسلام و حقوق بشر

اسلام دین حقوق بشر است. در دین تمام حقوق شرعی و قانونی افراد رعایت می‌شود و قرآن به عنوان کتاب آسمانی مسلمانان به همه انسانها ارزش می‌دهد، چرا که خداوند پس از آفرینش انسان، به عنوان اشرف مخلوقات، به خودش آفرین می‌گوید: «**فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ**». ^۱ در این تبریک دیگر نژاد، مذهب، ملیت و جغرافیا

هیچ جایگاهی ندارد. برداشت من از اسلام نیز بر اساس انطباق دین و حقوق بشر است.

در فرهنگ شیعه، همه انسانها مورد توجه هستند، مثلاً در دعاهای ما آمده است:

خداوندا! همه فقرا را غنی بگردان، همه گرسنگان را سیر کن و همه اسرا را آزاد کن. در این دعا، نگاه دینی ما به همه انسانهای مکاتب مختلف است. آیا چنین نگرشی اوج رعایت حقوق بشر نیست؟

در اسلام، دموکراسی و رعایت حقوق مردم به مراتب بیشتر از آن چیزی است که طرفداران حقوق بشر می‌گویند. اسلام حتی حقوق حیوانات را هم مراعات کرده است. اساس دموکراسی در اسلام بر نهادینه شدن رفتار مردم با حاکمان است؛ یعنی مردم باید قدرتمندانشان را دوست بدارند و قدرتمندان نیز به گونه‌ای رفتار کنند که مردم آنها را از خود دانسته و دوست بدارند. در این صورت هیچ گونه ستم و استبدادی نمایان نمی‌شود، چرا که رابطه بین آنها انسانی است.

منشور حقوق بشر، پس از جنگ جهانی دوم تدوین شده، اما حقوق انسان در اسلام ۱۴ قرن قبل نوشته شده، آن هم در روزهایی که بشر فرهنگ ابتدایی داشته است.

منشور حقوق بشر اسلامی در زمانی تدوین شده که مردها دخترانشان را زنده به گور می‌کردند. در این زمان می‌بینید که بنیان حقوق انسان در اسلام بر کرامت انسان نهاده شده و نژاد، مذهب، ملیت و جغرافیا در آن دخیل نیست.

حقوق انسانها در اسلام تبعیض نژادی، جنسیتی، جغرافیایی را بر نمی‌تابد و برای تمام آنها دارای هر مذهب و مرامی که باشند حقوقی قائل است.

اسلام و اقتصاد

اسلام هوادار اقتصاد سالم است؛ اقتصادی که رفاه مردم را تأمین‌کند. اسلام مدافع جدی علم و دانش در تمام شئون زندگی بشر

است و حاکمیت سرمایه را بر انسانها نمی‌پذیرد و تعیین حاکمان توسط سرمایه‌داران را بر نمی‌تابد و به مخالفت با آن بر می‌خیزد؛ چون مشخص است که در آینده قدرتمندان به نفع سرمایه‌داران و علیه افراد ضعیف حرکت خواهند کرد.

اسلام و بهداشت

برخورداری از خدمات بهداشتی و درمانی یکی از حقوق مُسَلِّم فردی و اجتماعی است و تأمین سلامت جسم و روان نه تنها ابزاری برای تکامل انسان است، بلکه از دیدگاه اقتصادی نیز از اهمیت قابل توجهی برخوردار است و اسلام نیز به رعایت و توجه به آن تأکید کرده است.

اسلام و کثرت نسل

اما در رابطه با کثرت نسل، اگر چه دین مبین اسلام آن را تأیید کرده ولی معلوم است که آن نسلی موجب مباحات رسول گرامی اسلام (صلي الله عليه وآله) بر دیگر امتها می‌باشد، که نسل

صالح و فرزندان شایسته باشند و اگر زيادي اولاد مانع از رسيدگي به تربيت و رشد و تکامل صحيح آنها بشود، قطعاً مورد پسند اسلام نخواهد بود. ضمناً شرايط موجود در عصر ما با شرايط موجود عصر پيامبر (صلي الله عليه وآله) به کلي متفاوت است و در بسياري از کشورهاي جهان در حال حاضر فزوني جمعيت نه تنها باعث قوت و قدرت نيست، بلکه به طور قطع و يقين، سبب ضعف و ناتواني مي شود، زيرا افزايش بي رويه جمعيت، فزوني فقر و تنگدستي و بيکاري و بيماري و بيسوادي را به دنبال دارد.

اسلام و حقوق حيوانات

اسلام انسانها را از بدرفتاري با حيوانات، عدم رسيدگي به آنان و بي دقتي در تيمار آنها و حتي بار اضافي نهادن بر آنها به شدت منع مي کند. اين قانون سالها پيش از اين که قانون حمايت از حقوق حيوانات در جهان منتشر شود وضع شده است، آن هم چقدر کاملتر و عميقتر؛ در اين

حقوق، قواعدی نهفته است که حتی به احساسات و روحيات حيوانات هم اهميت مي‌دهد. حال آيا چنين آئيني با اين همه قانون متعالي و شکوهمند مي‌تواند به لحاظ انساني و منطقي و عقلايي رواج دهنده خشونت باشد؟!

اسلام، دين صلح و آرامش

اسلامي که ما مي‌شناسيم منادي صلح، آرامش و نفي خشونت و ظلم است؛ اسلام پيام آور عدالت و حامي علم و منطق است، پس چنين ديني هيچ ترسي براي ديگران ندارد؛ لذا ما در تاريخ زندگي ائمه معصومين (عليهم السلام) مي‌بينيم که غير مسلمانان در منزل آنان کار مي‌کردند و شاهد علاقه وافر آنها به امامان خود بوديم .

اسلام و قوانين اجتماعي

همه انسانها عمل به قوانين را سعادت بخش مي‌دانند. ما مي‌گوئيم بياييد عمل به قوانين را همه جا اجرا کنيم و همه

كسانی كه به مردم ظلم می‌كنند مثل جنایتكاران جنگی محاكمه بین‌المللی شوند و این ربطی به عقاید و ایدئولوژی ملت‌ها ندارد. باید عمل به قانون را آن‌گونه كه از درون مردم تراوش كند فراگیر كرد تا همه آن را محترم بشمارند.

كشورها می‌توانند در عرصه بین‌المللی با رعایت قوانین اجتماعی از اقتدار و احترام خاصی برخوردار شوند، زیرا عمل به قانون و احترام به آن در حد بسیار بالایی قرار دارد و ما قدرت را در این موضوع می‌بینیم نه در اتم و موشك. ما قدرت را در صلح و صفا و انسانیت می‌بینیم.

اسلام و نفي خشونت

در اسلام خشونت نسبت به انسانها وجود ندارد و قرآن به عنوان قانون اساسی اسلام می‌گوید: با همه مردم به خوبی رفتار کنید «و قولوا للناس حسناً»^۱ و اگر تعداد اندکی هم در این خصوص

دچار اشتباه شده‌اند، به دلیل اشتباه آنها در برداشت از برخی آیات و روایات است که انسان غیر مسلمان را کافر قلمداد می‌کنند در حالی که بنده معتقدم که غیر مسلمان، کافر نیست، بلکه کافر، غیر مسلمانی است که می‌داند اسلام حق است اما در عین حال دشمنی می‌کند. این مطلب را من خدمت بعضی از علمای اهل سنت هم بیان کردم و آنها نیز قبول کردند. امروز اگر ما بتوانیم این مطلب را در دنیای اسلام روشن کنیم این مختصر بذر خشونت هم برداشته می‌شود.

بر اساس منطق اسلام همه انسانها محترم و ارزشمند هستند، مگر کسی که دانسته و فهمیده با اسلام به طور عملی دشمنی‌کند.

اساس تشیع

اساس تشیع بر حب، عشق و علاقه و دوری از خشونت، ظلم، ستم و جنایت استوار است. بشریت بعد از جنگ جهانی دوم، آثار زیانبار جنگ را با تمام وجود

خود لمس کرده و از خشونت و مردم آزاری متنفر است و شهد شیرین عدالت و ادای حقوق مردم و تزییع نکردن آن را چشیده است.

در مکتب شیعه، مرز، نژاد، مذهب و... مطرح نیست، بلکه انسان به مفهوم واقعی آن مورد توجه است. این موضوع در دعاهای ما نیز به خوبی نشان داده شده است: «اللهم اغنِ كُلَّ فقير، اللهم فُكْ كُلَّ اسير»؛ می‌گوید: خدایا! تمام فقرا را غنی بگردان و تمام اسرا را آزاد کن. در این دعا به خوبی نشان می‌دهد که نه مذهب مطرح است و نه مرز جغرافیایی، نه نژاد مطرح است و نه جنسیت. این دعا نشان‌دهنده خط مشی امامان شیعه و از افتخارات فرهنگ شیعه است. همه این محاسن و زیباییها در اصول تشیع دیده می‌شود. باید طوری حرکت کنیم و به نحوی سخن بگوییم که این همه شکوه را با دست خود از بین نبریم و در راه ترویج و تهییج صحیح مکتب شیعه گامهای بلندتری برداریم.

مکتب شیعه

شیعه همواره در جهت مبارزه با ظلم و تبعیض تلاش نموده و دیدگاه انتقادی و اعتراضی نسبت به حکومت‌های ظالم داشته و در برخی مواقع نیز همراه با عصیان مدنی برخورد کرده است.^۱

علمای شیعه نیز همیشه با حاکمان مستبد و ضد مردمی در ستیز بوده‌اند. حتی امروز هم به خاطر آن که شیعه به دنبال عدالت و آزادی است، با دشمنی قدرت‌پرستان از هر ناحیه مواجه است.

اجتهاد در مکتب شیعه

در مذهب شیعه، باب اجتهاد همیشه باز است و به دلیل همین پویایی، به عنوان یک فرهنگ غنی اسلامی تلقی می‌شود.

۱ - در تاریخ معاصر ایران مواردی از این قبیل مشاهده می‌شود که برای نمونه می‌توان به جنبش تنباکو، انقلاب مشروطیت ایران، نهضت ملی شدن صنعت نفت، قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ و انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در سال ۱۳۵۶ اشاره کرد. [ویراستار]

فقه‌های شیعه (قدس‌الله
اسرارهم) نیز با همه
اختلافاتی که در فتوا
داشته‌اند، همیشه نظرشان
محترم بوده و همین عامل
باعث تحرك و پویایی اجتهاد
شیعه شده است.

برداشت فقیهان از ادله و
براهینی که به عنوان کتاب و
سنت و عقل و اجماع وجود دارد
گوناگون و آزاد است و هرگز
باب اجتهاد در جهان تشیع مسدود
نشده است. بدین لحاظ است که
فقه شیعه، بسیار فقه پیشرو و
پویا در دنیای اسلام جلوه‌گر شده
است و همانند خورشید در آسمان
فقاہت می‌درخشد.

شیعه و تنفر از ترور

دو حادثه بزرگ در تاریخ
اسلام، بهترین دلیل برای مخالفت
شیعه با ترور و تنفر شیعیان از
آن است: اول، ترور امام علی
(علیه السلام) پیشوای اول
شیعیان و نماد واقعی عدالت در
جهان خلقت، که به دست
عبدالرحمن بن ملجم مرادی در

حال نماز و در مسجد انجام گردید، می‌باشد. این ترور همیشه در حافظه شیعه زنده می‌باشد و همیشه مورد تنفر و انزجار است. دوم، در جریان واقعه کربلا، زمانی که مسلم به عیادت‌هانی بن عروه از یاران امام حسین (علیه السلام) رفت، نقشه قتل عبیدالله بن زیاد طرح شد، اگر عبیدالله کشته می‌شد تمام نقشه‌های بنی امیه از بین می‌رفت و امام حسین (علیه السلام) و یارانش نیز کشته نمی‌شدند، حتی می‌توان گفت که ترور عبیدالله می‌توانست مسیر تاریخ را تغییر دهد؛ اما درست در هنگام اجرای این نقشه، مسلم دست از این کار کشید و روایتی از پیامبر را نقل کرد که می‌فرماید: «ان الایمان قید الفتنك»،^۱ ایمان، ترور را به بند می‌کشد. ایمان به خدا اجازه ترور را به مسلمان نمی‌دهد.

بر همین مبنا اگر کسی کوچکترین کمکی به تروریست‌ها بنماید در واقع به مذهب و

انسانیت خیانت کرده است، چرا که تروریست‌ها مذهب، انسانیت و مرز نمی‌شناسند.

حضرت علي (عليه السلام)

ما پیرو و شیعه امامی هستیم که ولایت و امامت او را یک افتخار بزرگ می‌دانیم. حب و عشق به علی (علیه السلام)، را دوستی با خدا می‌دانیم و معتقدیم که اگر راه علی، مشی علی و شخصیت و افکار بزرگ علی (علیه الصلوٰه و السلام) را درک کنیم، می‌توانیم ادعا کنیم که شیعه واقعی او هستیم. به همین جهت است که شیعه نمود مظلومیت تمام تاریخ می‌شود، همان طور که امام و پیشوای بزرگ ما اولین مظلوم عالم خلقت نامیده می‌شود.

امام علی (علیه السلام) مردی است که باید بیش از پیش او را بشناسیم. شناخت او، ما را در طریق معرفت به خدا و پیامبر قرار می‌دهد.

اگر بتوانیم با درک و معرفت امام حرکت کنیم، دنیا به عقلانیت و شعور ما رشک می‌برد و

تمام صلح جویان و عدالت‌طلبان و آزادی‌خواهان جهان با ما همصدا و همفکر می‌شوند، چرا که اندیشه بزرگ آن امام همام بزرگترین راهنمای بشریت در زندگی خصوصی و اجتماعی است. پنج سال حکومت آن حضرت، بزرگترین آزادی و دموکراسی واقعی را به ما ارزانی داشت؛ ارمغانی که هنوز بشر امروز قادر به درک و فهم آن نیست و نمی‌تواند آن همه عظمت و شکوه و آن همه عدالت و آزادی را پیاده کند؛ هدیه‌ای که بخشی از آن را در عهدنامه‌اش به مالک اشتر می‌خوانیم. عهدنامه‌ای که می‌توان با تصویب یک جمله‌اش به اداره حکومت و حفظ جان و مال و عرض همه انسانها پرداخت تا حقوق همگان حفظ شود و دموکراسی به معنای واقعی جامه عمل به خود بگیرد: «فانهم صنفان اما اخ لك في الدين و اما نظير لك في الخلق»^۱.

حضرت فاطمه زهرا (س)

فاطمة زهرا (سلام الله عليها)
عصاره عصمت و آئینه طهارت و

پاکی و نمودار سنجش حق و باطل و معرف پدر، همسر و حسنین در حدیث کساء است. او با زندگی کوتاه و با خطبه‌های متقن و دردمندانه‌اش، فرهنگ مقاومت و اعتراض را در تمامی‌نسلها بوجود آورد و ماهیت تفکر و اندیشه جاهلی را به خوبی نمایان ساخت. فاطمه (سلام الله علیها) زلال کوثر و نماد واقعی مظلومیت يك زن در دو عصر است. ایمان و اعتقاد او به پیامبر و به علي(عليه السلام) به بزرگی تمام تاریخ است.

دختر رسول گرامی اسلام، با مظلومیت و در اوج تنهایی، به تمام پیروانش ثابت کرد که يك زن هم می‌تواند به مقابله با حاکمیت زور و خفقان پردازد و پرده نفاق و ترس را پاره کند و به انسانها حق و حقیقت را نشان دهد، و همچنین با مبارزه و فریاد خود نشان داد که بیان حق و افشای ستم، مرد و زن نمی‌شناسد.

زهراي اطهر (سلام الله علیها) در عصر درد و رنج رشد کرد و در

هجران پدر غریبانه گریست و
بالاخره با تنی بیمار و زخم
خورده، خانه گلین خود را به
امید دیدار پدر ترك گفت تا قصه
آن همه درد و هجران را با او
بازگوید و شهادت مظلومانه خود
را ترسیم کند.

درسهاي عاشورا

يکي از درسهاي مهم حادثه
کربلا - که ما به آن عشق
می‌ورزیم و برای آن محافل و
مجالس و کنگره‌ها برگزار می‌کنیم
- نشان دادن زشتی ترور و
تروریسم و ظلم و جنایت است؛
این موضع‌گیری، از افتخارات
شیعه می‌باشد که نه تنها ترور
را وسیله پیشرفت کار خود
نمی‌داند، بلکه با آن مخالفت هم
می‌کند.

کربلا و عاشورا به عنوان يك
نماد، مظهر تنفر از ظلم و ستم
است. عشق به عاشورا، ریشه
خشونت را در جهان انسانی
می‌خشکاند و علاقه به مظلوم را
در تمام وجود ما سرشته می‌سازد.
واقعۀ عاشورا يك حرکت سياسي
حساب شده بود و امام حسین (علیه
السلام) به احترام دعوت و

خواست مردم کوفه، مدینه را ترک کردند؛ ایشان برای جنگ نرفتند، بلکه

جنگ به ایشان تحمیل شد و حضرت هم برای دفاع از مظلومین و مبارزه با ظلم و برای نیل به آزادی، از شهادت استقبال کرد. چنین تصمیمی، بسیار ارزنده است. امام و یاران باوفایش جان خود را از دست می‌دهند تا با خون خود جلوی ظلم و ستم را بگیرند تا انسانهای دیگر در آرامش و آسایش زندگی کنند.

مصلح جهانی

همه انسانها منتظر يك مصلح حقيقي هستند که جهان را سرشار از صلح و عدالتکند. امروز بشریت، به طرف زمینه‌سازي ظهور مصلح در حرکت است و شاید مهمترین نشانه آن هم نفرت انسانها از جنگ و خشونت و طرفداري از حقوق بشر، عدالت و صلح باشد.

این که امروز علمای اسلام با علمای مسیحیت و سایر ادیان، در کمال صمیمیت و دوستی پیرامون

صلح و ظهور منجي و ساير موضوعات با يکديگر گفت و گو ميکنند انسان را به اين باور مي‌رساند که اين هماهنگي‌ها، در راستاي ظهور مصلح کل و برقراري عدل جهاني است و اختلاف در اين خصوص نيز صرفاً در اسم مصلح است و بر آن هم هيچ ضرري مترتب نيست.

اين که گفته مي‌شود با ظهور مصلح جهاني، کشته‌ها فراوان مي‌شود مسلماً نظريه باطل و نادرستي است و اين مسئله افترا به امام زمان (عجل الله تعالي فرجه الشريف) است. شاهد و دليل آن هم رواياتي است که مي‌فرمايد حرکت امام زمان همانند حرکت نبي مکرم اسلام (صلي الله عليه و آله) است و آرمانش را با خلق نیکو به پيش مي‌برد؛ قرآن هم از اين مسئله با عظمت ياد کرده است «انک لعلی خلق عظيم».

نشانه‌هاي ظهور

مسئله منجي، فطري بشر است و اکثر انسانها به آن معتقد هستند؛ ولي تعابير در اين

زمینه متفاوت است، اما مسئله مهم در این خصوص بروز نشانه‌های ظهور است که به مراتب بیشتر از گذشته است.

یکی از نشانه‌های ظهور منجی، نفرت بشریت از جنگ و خونریزی است. در آن عصر، علاقه به صلح و گفت و گو و کنار گذاشتن اختلافات و تشکیل سازمانها و مجامع مختلف در سطح جهان اوج می‌گیرد.

در زمان مهدی موعود، از ظلم اثری نیست و دموکراسی و حکومت مردمی توسط ایشان محقق می‌شود و تمام بشریت به مفهوم واقعی کلمه انسان می‌شوند.

یکی دیگر از نشانه‌های ظهور - که در روایات ما هم به آن اشاره شده - کامل شدن عقل و درک بشر است و هر چه درک و اندیشه‌های بشری کامل تر شود، اختلافات کمتر می‌شود و آزار و اذیتها از بین می‌رود و وحدت به طور کامل محقق می‌شود.

انسان و مسئله زمان ظهور

زمان دقیق ظهور مصلح را فقط

خداوند می‌داند و اگر کسی امروز ادعا کند که نسبت به آن آگاه است، اگر قدرتمند باشد فریبکار است و الا ناآگاه می‌باشد و باید او را تکذیب کرد.

اگر صاحبان قدرت بخواهند به نام مهدی موعود (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) کوچکترین سوء استفاده را بنمایند، گناه و خیانت به اهداف والای مصلح جهانی (روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء) است. پس استفاده ابزاری از نام آن حضرت خیانت به امام و به عدالتی است که خداوند و عده داده است.

اگر در دنیا عدالت و صلح حکمفرما شود و زمینه برای رشد فکری انسانها فراهم گردد، هیچ کس با حضور آن حضرت دشمنی نمی‌کند.

مهدویت و دموکراسی

امروز کسانی طرفدار مهدویت و منتظر ظهور مصلح به حساب می‌آیند که در جهت برقراری صلح جهانی تلاش و کوشش نمایند و

مروج واقعي دموکراسي و حقوق بشر باشند و حرکتشان در مسیر علم و دانش باشد.

در اندیشه مهدویت، نه فالگیری و رمالي است و نه خواب و خرافه، بلکه آزادي فکر، اندیشه، خدمت به بشریت و پیشرفت علم و دانش است. بر همین اساس زماني هم که مهدي موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور می کند، حکومت مردمی و صلح بر سراسر جهان حاکم می شود و هر کسی هم ظلم کند و جلوي آزادي اندیشه و بیان را بگیرد، مخالف ظهور مهدي موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

مصلح جهانی و نفرت بشریت از جنگ

نفرت و انزجار بشر از جنگ و خشونت، امری بدیهی است و مصلح جهانی نیز هیچ گاه نمی تواند حرکت و پیام خود را برای تحقق صلح و عدالت، با خشونت و جنگ آغاز کند.

ما معتقدیم هر کسی که زمینه ساز جنگ باشد و جنگ افروزی کند

مجرم و گناهکار است.
امروز دنیا، دنیای عقل و گفت
و گو است و بشریت متنفر از جنگ
است.

ما به امید روزی هستیم که
همه سلاحها به صلاح و شایستگی
تبدیل شود. چنین روزی با آمدن
امام دوازدهم شیعیان مهدی
موعود (عجل الله تعالی فرجه
الشریف) تحقق پیدا می‌کند.

حوزه علمیه قم و نجف

حوزه‌های مقدس قم و نجف از
حوزه‌های کهن و از پایگاه‌های
مهم تشیع محسوب می‌شوند و به
مفهوم امروزی رقابتی بین آنها
نیست و هر دو یک هدف را دنبال
می‌کنند. حوزه قم و نجف مثل دو
دانشگاه بزرگ علمی هستند که
باید با یکدیگر تبادل علمی،
تبادل دانشجو و استاد داشته
باشند. در حقیقت هر کدام تکمیل
کننده دیگری هستند نه رقیب
یکدیگر؛ هم حوزه نجف شأن و
شخصیت امام امت را درک کرد و
هم علمایی که از نجف به قم
آمده بودند، مقام علمی خود را

نشان دادند. از خداوند مئان و بزرگ می‌خواهم که هرچه زودتر حوزه نجف احیاء گردد تا علما همچون گذشته بتوانند آزادانه به درس و بحث بپردازند.

وحدت عالم اسلام

وحدت با تبلیغ نکردن علیه یکدیگر، و پیگیری راههای ایجاد وحدت بدست می‌آید، چون همه مسلمانان برای رسیدن به مصالح خود دارای راههای متحد و واحدی هستند. ایجاد دشمنی بین مسلمانان، از دشمنی استعمارگران با اسلام سرچشمه می‌گیرد. مخالفان وحدت امت اسلام به دنبال آن هستند که با توسل به عدم آگاهی برخی از مردم، تخم نفاق و بدبینی را بین مسلمانان بکارند و از این طریق به چپاول و غارت منابع دنیای اسلام بپردازند. مسلمانان همان طوری که در ایام حج با یکدیگر به دور خانه خدا می‌گردند، در بقیه امور نیز باید با هم باشند؛ بلکه فراتر از این باید با همه انسانها متحد باشند چون اسلام دین انسانیت است و برای

هدایت بشریت آمده است.

انسان، دین و سیاست

سیاست به معنی خدعه، نیرنگ و دروغ نیست. کسانی که برای کسب قدرت وعده می‌دهند و بعد از کسب قدرت به آن عمل نمی‌کنند، سیاستمدار نیستند و اسلام این روش را قبول ندارد و با آن مخالف است.

پیوند دین و سیاست به این معنا نیست که برای پیشبرد مقاصد خودمان از مذهب استفاده ابزاری کنیم.

دین، هیچ ظلم و فشاری و هیچ اذیت و صدمه‌ای را از ناحیه صاحبان قدرت به مردم تحمل نمی‌کند و سیاستمداران دین‌دار هیچ‌گاه نمی‌توانند شاهد زجر و شکنجه انسانهای بی‌گناه باشند.

پیوند دین و سیاست معنایش به دست گرفتن قدرت توسط عده‌ای خاص نیست، بلکه به این معنا است که پشتوانه قوانین و مقررات، ایمان و دین آنها باشد.

عمده قوانین و دستورات دین در خصوص روابط اجتماعی مردم با یکدیگر، و در خصوص اداره جامعه

و مملکت نگاشته شده است. بنابراین در يك جامعه ديني معنا ندارد که بگوئيم: دين از سياست جداست.

اما آنچه باعث عدم استحکام چنین پيوندی شده، این است که برخی به جای متدها و روشهای اسلام، برداشتهای خودشان را مطرح می‌کنند و این امر در اجراء مشکلاتی را بوجود آورده است.

انسان و مذاهب

برای از بین بردن اختلافات در سطح جهان، نیازمند يك کار فرهنگی از طرف دانشمندان مذاهب مختلف هستیم. ما معتقدیم همان طور که اسلام برای انسانها شخصیت قائل است، مذاهب دیگر نیز چنین دیدگاهی دارند. در اسلام، انسان آزاد آفریده شده و برده هیچ کس نمی‌باشد. انسان در اسلام آگاه است و با علم و منطق مسیر خود را انتخاب می‌کند. اگر علما و دانشمندان مذاهب دیگر می‌خواهند جلوی اختلافات را بگیرند و مانع اقدامات تروریستی بشوند باید اعلام کنند

که همه انسانها با هم برابر هستند.

انسان، آزادی و عدالت

اسلام برای تمام انسانها ارزش قائل است و در این خصوص فرقی میان مسلمان، یهودی، زرتشتی، دهری و حتی مارکسیست - تا زمانی که دشمنی اعتقادی نمیکنند - وجود ندارد. انسان آزاد، عدالتطلب است و کسی که از حقوق انسانی خود دفاع میکند، هیچ گاه به جدایی و نفاق نمیاندیشد.

انسان عدالتدوست، چون آزاد آفریده شده، آگاه است و با اندیشه و تفکر به وحدت و صلح انسانهای متنوع خود میاندیشد.

انسان حقو افقهای بزرگی را در سر میپروراند و از جنگ و ترور متنفر است و نگاه او با حقوق بشر، عدالت، همزیستی مسالمت آمیز، حفظ آزادی دیگران عجین شده است.

انسان در اسلام به حقوق طبیعی دیگران احترام میگذارد و دوست می‌دارد تا امنیت اجتماعی و

روانی فراگیر شود و همه در آرامش زندگی کنند.

انسان و تحول و تکامل

تکامل جوامع بشری سبب تحول در برداشت از مسائل کلی انسانیت بوده و هست، ولی عدالت در همه جا و هر زمان مطلوب است، اما برداشت از این عدالت با تحول زمان تغییر می‌کند و همین تکامل است.

آنچه که باید متحول بشود بینشها و برداشتها است که با توجه به پیشرفت علوم و فنون و با توجه به شرایط زمان و مکان باید تغییرکند. به همین دلیل معتقدم که باید برداشتهای حوزه علمی و اساتید دانشگاه‌ها و دانشجویان نسبت به فقه و مسائل اسلامی، اصلاح شود.

گفت و گوی فرهنگی

در عصر ارتباطات، هر ملتی سعی می‌کند پاسخ مثبت فرهنگی‌های دیگر را اخذکند و گاهی نیز در اثر این ارتباط، اثرات منفی در بین ملتها رسوخ می‌کند، اما باید توجه داشته باشیم که اصل

بر تعامل فرهنگی است، چرا که نمی‌توان راه‌های ارتباطی فرهنگها را مسدود کرد. مهم این است که در عصر ارتباط بین فرهنگها هر ملتی و دولتی تا چه میزان در مورد فرهنگ خودش حساس است و چقدر در مورد تثبیت آن فعالیت می‌کند و به تعمیق و تقویت آن می‌اندیشد. ما باید در رایزنی ملتها و قدرتها، هویت و اصالت خود را حفظ کنیم و به مفاخر دینی و ملی خود افتخار کنیم. دنیا می‌داند که تمدن ایرانی و اسلامی، از بزرگترین تمدنهای بشری بوده، هست و خواهد بود.

اختلافات فرهنگی

همه ملتها دارای اختلافات فرهنگی و مذهبی هستند و تا زمانی که این مسئله به درجه سیاست نرسد مهم نیست، اما زمانی که این اختلافات با سیاست پیوند بخورد متأسفانه ایجاد ناامنی می‌کند.

در مورد اختلافات فرهنگی باید دو مطلب جداگانه مورد توجه

قرار گیرد: اول این که آیا هر صاحب فکر و اندیشه‌ای که فرهنگ خودش را درست می‌داند حق دارد آن را برای دیگران بیان کند یا نه؟ پاسخ مثبت است و اساساً انبیا و پیامبران الهی و طرفداران کلیه مکاتب به دنبال گسترش مکتب و اندیشه خود بودند. بنابراین نمی‌توان گفت کسی که فکری را حق می‌داند آن را ترویج ننماید و اجازه انتشار و ارائه آن را نداشته باشد، ولی دیگران مجال طرح اندیشه‌های خود را داشته باشند. باید با ایجاد یک بستر فکری مناسب و ارائه یک برنامه مدون اعتقادی برای مردم، جلوی این گونه افکار باطل را بگیرند. دوم آن که سوء استفاده قدرتها از فرهنگ و اندیشه‌های غلط در جهت انحراف افکار عامه مردم، گناهی بزرگ و نابخشودنی است و این از نظر مکتب ما امری مذموم و مورد نکوهش می‌باشد، ولی متأسفانه قدرتهای بشری در طول تاریخ معمولاً چنین بوده‌اند. ظلم و تعدی به حقوق سایر ملتها مربوط به قدرتهاست نه ملتها و

فرهنگها. من امیدوارم که بشریت به جایی برسد که شاهد حاکمیت اندیشه‌های درست و انسانی باشد؛ اندیشه‌هایی که بتواند در جهت تکامل معهود و عروج مقصود انسان مؤثر باشد.

راه مقابله با فرهنگ بیگانه

تمام فرهنگ غرب، غلط و اشتباه نیست. ما باید فرهنگ خوب و بد را، با استدلال منطقی تفکیک کنیم، چرا که نمی‌توان با اعمال زور و خشونت با نفوذ فرهنگ بیگانه مقابله کرد، بلکه باید با ارائه فرهنگ صحیح، از نفوذ فرهنگ وارداتی جلوگیری کرد. باید بدانیم که نسل جوان، خواهان تنوع است و به دنبال مباحث جدید و نو می‌گردد. ما می‌توانیم با نشان دادن فرهنگ صحیح اسلامی و شناخت روحی و روانی جوانان، بهترین راه مقابله با فرهنگ بیگانه را تثبیت نماییم. مفاخر دینی و ملی ما از چنان قداستی برخوردارند که اگر صحیح معرفی شوند، برای نسل جوان و حتی

تمام انسانها مؤثر است.

فرهنگ و هنر تصویری

من بر این اعتقادم که هرگونه تصویر و هر نوع هنر تصویری، درست و جایز است و مانند دیگر هنرهاست به شرطی که هم با معنا باشد و هم در راه ساختن انسانیت، شخصیت و هویت بشری به کار گرفته شود. هنر تصویری باید فرهنگ آزادی‌خواهی و عدالت‌جویی را گسترش دهد نه این که در مسیر استثمار و استعمار انسان و فرهنگ ابتذال قرار گیرد.

مرگ در فرهنگ اسلامی

مرگ، نوعی نعمت برای انسان است. ولی اسلام به دانشمندان و عالمان این اجازه را داده و حتی به آنها توصیه کرده که برای پیشگیری از مرگ و میرها و آسیب‌هایی که بر اثر حوادث طبیعی چون سیل و زلزله ایجاد می‌شود، از علم استفاده کنند، و اگر در این کار کوتاهی و قصور داشته باشند گناه آن بر دوش

اینان است. خداوند
 مهربان نمی‌خواهد انسان
 درگرفتاری باشد، اما برخی
 سختیها هم نوعی امتحان برای
 ساختن روح و شخصیت بشری است.
 مرگ در فرهنگ اسلامی، نابودی
 نیست بلکه نوعی بازگشت و زندگی
 جدید است: «وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لُو
 كَأَنَّا يَعْلَمُونَ»^۱.

تحول در عرصه فکر و اندیشه

اساس انسانیت و بشریت بر
 تحول فکری است و تغییر و تحول
 در عرصه فکر و اندیشه مسئله‌ای
 است که مورد تأیید اسلام و
 هماهنگ با تمام ادیان الهی و
 ملتها است. اسلام به ما توصیه
 می‌کند که به دنبال بهترین
 اندیشه‌ها و افکار باشیم:
 «فبشر عبادی الذین یستمعون القول و یتبعون احسنه»^۲.

امروز به جایی رسیده‌ایم که
 گفتمان غالب بشریت صلح و عدالت
 است و بشر از فرهنگ طایفه‌ای و
 قبیله‌ای به فرهنگ جهانی رسیده

۱ - سورة عنکبوت, آیه ۶۴.

۲ - سورة زمر, آیه ۱۷.

است. امروز همه به دنبال فکر و حمایت از اندیشه هستند و همه این پیشرفته‌ها مرهون راهنمایی پیامبران، اولیای خدا و مفاخر ملت‌هاست.

امام خمینی

امام خمینی (سلام الله علیه) يك مسلمان كامل بود و براي اعتلای شخصیت و هویت ملتش تلاش کرد و برای احقاق حقوق اصیل آنها و تمام انسانهای آزادیخواه از همه چیز خود گذشت. انقلاب او برای انسانها و احیای انسانیت بود و برای خودش سهمی نمی‌خواست.

او همه چیز را برای مردم و از آن مردم می‌دانست و با هرگونه استبداد به طور کلی مخالف بود.

آن شخصیت ممتاز تاریخ اسلام، هم فیلسوف بود و هم عارف و در عین حال به عنوان يك چهره مبارز و شجاع نیز در صحنه حضور داشت. ایشان با درک حقایق بلندی از مبانی عرفان و فلسفه، خدمت به مردم را نیز دوست

می‌داشت و می‌خواست که تمام انسانها از ظلم و ستم نجات پیدا کنند.

امام خمینی (سلام الله علیه) نماد تمام خوبی‌هاست. فقیه، فیلسوف و عارفی بود که برای احیای ارزشهای دینی و احقاق حقوق ملت و آزادی تمام مستضعفان از سیطره ستمگران فریادها زد، دردها کشید ولی هیچ گاه در مقابل مظاهر استبداد و تزویر سکوت نکرد.

امام و خرافات

امام (ره) زمانی که نهضت و انقلاب خویش را آغاز کرد، نه تنها جلوی موهومات را گرفت بلکه جلوی تمام حرکات مخالف عدالت و آزادی را هم گرفت. بشریت را آگاه کرد و آنان را متوجه آزادی و اسلام نمود منتها عوامل بازدارنده رشد جامعه برای مبارزه با حرکت امام (سلام الله علیه) با ایجاد جنگ و اختلافات داخلی و بعد از ایشان به صورتهای دیگر به مبارزه با حرکت امام (ره) برخاستند.

امام و مبارزه مسلحانه

امام در طول مبارزاتش علیه رژیم ستم شاهی هیچ گاه اجازه مبارزه مسلحانه و ترور و انفجار را ندادند و حتی با کسانی که به دنبال کسب اجازه از محضر ایشان برای ترور بودند مخالفت می‌کردند.

امام هیچ گاه فرمان به مبارزه مسلحانه و کشتار کور نداد، بلکه همواره از این نوع برخوردها پرهیز می‌کرد و نفرت داشت. سلاح امام زبان بود و کلمه و هرگز راضی نمی‌شد خون انسانی بی‌گناه بر زمین ریخته شود.

امام گفتمان شهادت را پس از سالها خاموشی در میان بشریت زنده کرد و به مفهوم شهادت معنایی تازه داد.

امام و اصل جمهوریت

امام يك اصل فراموش شده در اسلام را به نام جمهوریت و حاکمیت اکثریت زنده کرد. امام نظام را به نام جمهوری خواند، یعنی حاکمیت مردم، یعنی حاکمیت

اکثریت. ایشان با احیای این اصل اسلامی به همه کوتاه‌فکران و متحجران فهماند که مردم خوب می‌فهمند و خوب می‌توانند تصمیم بگیرند.

میراث امام خمینی

ارزنده‌ترین میراثی که از امام به جا مانده و باید به آن توجه فراوان شود، ارزش دادن به انسانها در گفتار و عمل است. اگر چه این میراث ارزشمند تا حدی با منافع برخی در تضاد می‌باشد، ولی امیدواریم با رشد ملت‌ها و عظمت اسلام، به جایگاه خودش برگردد.

یکی دیگر از میراث‌های امام، حاکمیت اسلام همراه با احترام گذاشتن به آراء و آزادی مردم است. مشی ایشان بر آزادی مردم در تعیین سرنوشت خویش و حاکمیت انسان در چارچوب قوانین اسلام استوار بود و از طرفی هوادار صراحت بیان و شجاعت در عمل بود و به شفافیت و پاسخ‌گویی به ملت ایمان داشت

و به آنچه مي‌گفت عمل مي‌کرد. همه ما بايد اين گونه باشيم.

میراث انقلاب اسلامي

آزادي و حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش از جمله میراث انقلاب اسلامي است. یکی از میراثهاي انقلاب اسلامي، آگاهي و رشد فکري مردم در سطح عمومي است. مردم مي‌فهمند بايد به دنبال احیاء و رسیدن به حقوق خود باشند، يعني حاکمیت مردم در امور خودشان. انقلاب اسلامي به ما اعتماد به نفس داد؛ به ما فهماند که مي‌توانيم در دنياي امروز با شخصیت زندگی کنیم و خلاقیت داشته باشيم. ما امروز زیر لوي انقلاب مي‌توانيم با عزت زندگی کنیم و در عين اين که با تمام بشریت تعامل و همکاري داريم، ولي ابتکار عمل دست ماست. به همین جهت است که به قول امام نبايد بگذاريم ناهلان و مخالفان انقلاب اسلامي بر آن تسلط يابند.

جمهور مردم

از نظر اسلام، برای پیشبرد امور باید توده مردم شرکت کنند تا کارها به پیش برود. مراد از جمهور، توده مردم است و این مطلب با آنچه که در دموکراسی مرسوم دنیا - که نصف بعلاوه يك را معتبر میدانند - متفاوت است.

من بر این اعتقادم که مردم خوب تشخیص می‌دهند و قضایا را به درستی مورد شناسایی قرار می‌دهند. همین مردم هستند که قادرند در دفاع از کشور و ارزش‌های دینی، عزت اسلامی‌خود را نشان بدهند. همین مردم هستند که می‌توانند عظمت سیاسی اسلام را به نمایش بگذارند و از آن دفاع نمایند.

هر جا توده مردم حضور نداشته باشند، جمهوریت رعایت نشده ولو این که عده‌ای هم پای صندوق بیایند.

تصور و تلقی فرد و یا افرادی که مدعی هستند مردم و یا اکثریت نمی‌فهمند، تصور و دیدگاه نادرستی است،

چرا که بحث اکثریت در احکام
فقهي اسلام هم داراي جایگاه
است.

اسلام می‌گوید فکر کنید،
بیندیشید و سپس عمل کنید و با
یکدیگر زندگی کنید این یعنی
جمهور، لذا هیچ
عقلي اجازه نمی‌دهد فکر اقلیت
بر اکثریت مردم مقدم باشد همان
گونه که مرحوم امام خمینی (سلام
الله علیه) تأکید داشت که میزان
رأی ملت است و تصمیم اصلی را
مردم می‌گیرند.

مردم و انتخابات

شرکت در انتخابات، اولین حق
هر انسانی است، و هر ملتی وقتی
ببیند انتخابات در انحصار
عده‌ای خاص است به شرکت در آن
رغبتي نخواهد داشت.

به طور کلی هر تغییری که سبب
کمرنگ شدن حضور مردم در صحنه
شود مضر است. زمانی که
مردم از قدرتمندان جامعه خود،
اعمالی خلاف موازین اسلام مشاهده
کنند به آنها بدبین می‌شوند، در
صورتی که مردم به اسلام حقیقی
که آزادی و عدالت سر لوحه آن

است و حقوق آنها را فوق‌العاده
محترم می‌شمارد، علاقه‌مند
می‌باشند.

مردم و حکومت

حکومتی که به مردم ظلم نکند
و حقوقشان را مراعات کند
همواره مورد علاقه مردم است، و
این حکومت را هیچ قدرتی
نمی‌تواند از بین ببرد.

در حکومت دینی، دیکتاتوری و
استبداد وجود ندارد و به همین
خاطر امام مجلس را در رأس امور
می‌دانست و از نظر او این نهاد
تشریفاتی نبود، حتی اسلام نظر
شخصی بزرگترین فقیه را هم بر
نظر مردم مقدم نمی‌داند.

رأی مردم

عقل جمعی با عقل فردی اصلاً
قابل مقایسه نیست. این توده
مردم هستند که نظرشان محترم و
رأی آنها ملاک تصمیم‌گیری است.
هر حکومتی که بتواند اعتماد
ملت را حفظ کند و محوریت امور
را بر اساس احترام به خواست و
رأی مردم قرار دهد از هر

تهدیدی ایمن است. در نظام جمهوری اسلامی اصل بر رأی و نظر توده مردم است و اعمال سلیق فردی و تفسیرهای نادرست از قانون اساسی سبب بدبینی مردم به اسلام و قانون اساسی خواهد شد.

ما معتقدیم ملتها خود باید حاکم بر سرنوشت خویش باشند و همه چیز باید دست ملتها باشد و حکومتها نیز به نحوی عمل کنند که ملت آنها را دوست داشته باشد.

مشروعیت اعمال حاکمیت و حکومت قانونی در زمان غیبت، منوط به رأی مردم است. بنابراین بی‌اعتنایی به رأی مردم و آنان را سیاهی لشکر دانستن خود یکی از مصادیق بارز خرافه‌پرستی و موهومات است، چرا که منجر به استبداد و دیکتاتوری و شخص‌پرستی و تملق و چاپلوسی و موجب سلب آزادیهای افراد می‌گردد.

عقل و خرد

جامعه امروز را نمی‌شود امر و نهی کرد بلکه باید ثابت کنیم که کارمان مطابق عقل و خرد است.

دنیای امروز، دنیای عقل و منطق است و ملاک سخن گفتن نیز باید عقل و منطق باشد نه حرف‌های بی پایه و اساسی که صرفاً مصرف داخلی دارد.

تحقیق و دانش

تحقیق و دانش اندوزی از مبانی اسلام است. در اسلام اگر هدف و نظر همه دانشمندان حوزه‌های

علمیه یا دانشمندان دانشگاه‌ها یکی بشود، باب تحقیق، علم‌اندوزی و دانش بسته می‌شود، و این مخالف نظر دین است؛ اختلاف نظرها باید باشد تا علم، دانش و تحقیق گسترش پیدا کند.

مسئولیت اهل قلم و بیان

همه کسانی که اهل بیان و قلم هستند و کار فکری می‌کنند موظفانند که افکار انسانها را به هم نزدیک کنند به گونه‌ای که

نه غرب از اسلام بترسد و نه مسلمانان از غرب وحشت داشته باشند. همکاری و مساعدت فرهیختگان و علمای ملل مختلف باعث رشد فرهنگ انسانیت در جوامع می‌شود.

اصلاح طلبی

منظور از اصلاح طلبی، ساختن افکار و اندیشه‌ها و غنا بخشیدن به آن است.

اصلاح طلبی، احیای ارزش‌های دینی و انسانی در راستای آزادی انسانها از استبداد، استثمار و تمامیت خواهی است.

اصلاح طلبی از اموری است که از قرن‌ها قبل توسط متفکران و اندیشمندان متعهد برای اصلاح امور جاری کشورها آغاز شده و همچنان ادامه دارد.

غرور، تکبر و قدرت

غرور و تکبر ناشی از قدرت، نشأت گرفته از هوای نفس افراد و قدرتمندان است و به استبداد منجر می‌شود. اگر این مسئله به نام اسلام باشد، لطامات

جبران ناپذیری وارد می‌کند. تاریخ نشان داده که تمام گردنکشان و متکبران به نابودی گراییده‌اند، اما پیامبران و ائمه مؤمنین با خضوع و خشوع در دل توده‌های مردمی‌جا می‌گرفتند.

قانون قصاص و کرامت انسانی

قانون قصاص، یکی از زیباترین قوانین شیعه است که هم آزادی و عواطف انسانها و هم مجازات مجرم را در بر می‌گیرد. تأکید می‌کنم که مراد از قانون قصاص، اعدام نیست بلکه حفظ آزادی و کرامت انسانی و احترام به احساسات و عواطف اوست. اسلام بازماندگان

را مجبور نکرده که حتماً باید قاتل را مجازات کنند و یا آنان را مصلوب الاختیار کرده که هیچ عکس‌العملی نشان ندهند، بلکه هم آزادی ایشان و هم موضوع بخشش، عفو و انسانیت را مورد توجه قرار داده و هم از سوی دیگر به جامعه و مسئولان تذکر می‌دهد

که برای پیشگیری از این گونه امور، چه تدابیری را بکار بندند.

افراطی‌گری و خشونت

بر رهبران مذهبی و سیاستمداران آزاد اندیش است که در پرتو آموزه‌های الهی با افراطی‌گری و خشونت طلبی مبارزه کنند و جلوی آن را بگیرند.

روح حقوق بشر و عدالت خواهی

روح حقوق بشر و عدالت‌خواهی در یک اصل اسلامی به نام انصاف خلاصه می‌شود.

انصاف به این معنی است که انسان آنچه را برای خود می‌پسندد، برای دیگران هم بی‌پسندد و آنچه را برای خود نمی‌پسندد، برای دیگران هم روا ندارد.

انصاف، عالی‌ترین اصل اخلاقی اسلام است که هر کجا به اجرا درآید، نشانه حفظ حقوق بشر و آزادی انسان است.

برابری حقوق انسانها

در رابطه با برابری حقوق انسانها باید به دو اصل اساسی توجه شود: اول این که خدای بزرگ برای خلقت همه افراد بشر به خود تبریک و تحسین گفت: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ». بنابراین از نظر حقوقی نمیتوان بین انسانها فرق گذاشت، چرا که خلاف مبارک بودن امر خلقت است. اصل دوم، که در اسلام و اخلاق، فوق العاده روی آن عنایت و تکیه شده و در حقیقت زیر بنای مبانی

اخلاقی و حقوق انسانی به شمار می رود این است که هر کسی باید آنچه را برای خود دوست می دارد برای دیگران هم دوست بدارد و آنچه را که برای خود دشمن می دارد برای دیگران نیز دشمن بدارد. بنابراین هر انسانی بخواهد راجع به حقوق اجتماعی انسانها سخن بگوید، با توجه به این اصل آنچه که به ضرر آنها و یا تبعیض محسوب شود، انجام نمی دهد و این نابرابری را جزء حقوق الهی و اسلامی نمی داند.

حقوق دیگران

هر حرکت و فعالیتی که برای سعادت مردم باشد زنده و پایدار می‌ماند. مبانی شیعی نیز بر حفظ و احیای حقوق مردان و زنان و همچنین شناخت زمان و مکان استوار است و هیچ خطری نمی‌تواند اسلام را با وجود اندیشه‌های باز و پویا تهدید کند.

حقوق زنان و مردان

نظر دینی من - که نشأت گرفته از نیم قرن کنکاش و تلاش و بازخوانی فقه جواهری و متدهای ماندگار فقهی است - این است که حقوق زنان و مردان در تمام امور برابر است و زن می‌تواند تمام پست‌های دولتی یا مقامات دینی بسیار مهم را به دست گیرد. عقیده دارم همچنان که مرد می‌تواند در تمام امور اجتماعی و فکری فعالیت کند، زن هم می‌تواند. چگونه می‌توان باور کرد که مردان از دامان زنان به معراج برسند ولی از حقوق فردی و اجتماعی خود محروم باشند. پس زنان نیز می‌توانند حتی بالاترین مناصب حکومتی از قبیل ریاست

دولت و رهبري را نيز در اختيار بگيرند. بنده ثابت کرده ام که اين امکان پذير است و از منظر مفاهيم قرآن و اسلام، هيچ تفاوتی میان زن و مرد از نظر ورود به بازار کار و يا سياست وجود ندارد و ملاک را نيز در دانش ديني، پاكي و پرهيزگاري جست و جو کرده ام نه در جنسيت.

ارزش وجودي زن

من فاطمه زهرا (سلام الله عليها) را نماد واقعي و حقوقي زن در جامعه عاري از احساس، عقلانيت و منطق انساني آن عصر و زمان مي دانم و معتقدم گويای خواست خداوند بود که تنها فاطمه براي پیامبر بماند تا به عنوان يك زن بيان ارزش وجودي زن بپردازد. خداوند نيز دوست مي داشت که تنها دختر پیامبرش وارث تمام ارزشها و انساني اسلامي باشد و تا جهان بشريت باقي است از خود گوهرهاي گرانبهائي به يادگار بگذارد که همچنان بدرخشند.

رابطه زن و شوهر

به نظر من زن وقتی که ازدواج کرد برده شوهرش نمی‌باشد و این گونه نیست که همه حرکات و سکناتش باید با اجازه او باشد، بلکه هر عملی که با حق زندگی شوهر و با حق استمتاع او منافات داشته باشد احتیاج به اجازه شوهر دارد. اما اگر مثلاً زن بخواهد به مسافرت خارج برود و این مسافرت هیچ مزاحمتی با حق شوهر نداشته باشد، او نمی‌تواند مانع مسافرت همسرش بشود، همچنان که اگر مرد نیز بخواهد به مسافرتی برود که با زندگی مشترك و با حقوق زن منافات داشته باشد، او هم باید از زن اجازه بگیرد؛ به عبارت ساده باید زن و مرد با یکدیگر به خوبی رفتار کنند و این مسئله‌ای دو طرفه است، چون زندگی زناشویی مشترك است، لذا باید طرفین با یکدیگر به خوبی رفتار کنند تا زندگی آرام، سالم و شیرینی داشته باشند.

عقیده دینی ما این است که زن

و مرد هیچ کدام مستخدم دیگری نیستند و ازدواج استخدام نیست، بلکه زندگی مشترك است؛ پس از نظر حفظ حقوق یکدیگر آنجایی که بر زن لازم است اجازه بگیرد بر مرد نیز لازم است اجازه بگیرد.

قدرتمندان و حقوق بشر

قدرتمندان حق ندارند راجع به دیگران حرف بزنند و در کار دیگران دخالت کنند. همین طور که ما حق نداریم در کار دیگران دخالت کنیم. اصولاً هیچ انسانی حق ندارد در سرنوشت دیگران دخالت کند، چرا که از نظر اسلام انسان حاکم بر سرنوشت خویش است و دیگری حق ندارد بر او سرپرستی کند.

راه محبوبیت قدرتمندان نیز این است که بگذارند حقوق بشر به معنای واقعی اش در جامعه پیاده بشود و تبعیضها و نارواییها در جامعه از بین برود و قدرتمندان، خدمتگزار مردم بشوند نه طلبکار مردم.

قدرتمندان و حق آزادی

قدرتمندان همیشه باید از قدرت خود به نفع آزادیهای مردم استفاده کنند نه برای حفظ قدرت خود. باید حاکمان را به هواداری از آزادی بیان و آزادی پس از بیان ترغیب کرد تا اثرات آن را در دراز مدت شاهد باشند.

حق آزادی و حق حیات از بالاترین حقوق بشر است و اگر این دو اصل رعایت شود مشکلات جامعه بشری مرتفع خواهد شد. خداوند به انسانها حق زندگی و حق آزادی

داده است، ما چگونه میتوانیم این حقوق را از آنها سلب کنیم؟ ما چگونه میتوانیم به انسانها بفهمانیم که آن طور که ما دوست داریم زندگی کن و آن طور که ما از آزادی تعریف میکنیم، بپذیر؟ اینها همه سلب حقوق طبیعی انسانها است.

اگر ما این حقوق را با همه جهاتش به رسمیت شناختیم، دیگر هیچ انسانی مورد اذیت و آزار بدنی و جانی قرار نمیگیرد و اصولاً دیگر کسی نمیتواند آنها را از حقوقشان محروم کند.

وقتي که اسلام حق حیات را برای گیاهان به رسمیت می‌شناسد و کندن گیاه را بدون دلیل اجازه نمی‌دهد، طبیعی است که این معنا را در عالی‌ترین درجه‌اش برای انسانها قائل است و آنها را با همه خواسته‌هایشان محترم و صاحب کرامت و ارزش می‌داند.

منشور ملل متحد

تدوین منشور ملل متحد - آن هم بعد از جنگ ویرانگر دوم جهانی - و به تبع آن تشکیل سازمانهای مدافع حقوق بشر نظیر سازمان عفو بین‌الملل، سازمان حقوق بشر، دادگاه محاکمه جنایتکاران جنگی همه در راستای اتحاد و هماهنگی تمام بشریت است.

تروریسم مولود فقر، استبداد و تحقیر

همه کسانی که مدعی مبارزه با تروریسم هستند باید برای خشکاندن ریشه‌های ترور دست به دست هم دهند و فقر و استبداد

را از میان بردارند. قدرتها نیز بدانند که راه مقابله با حرکتهاي انتحاري، عمليات نظامي نيست.

همه بدانند که تروريسم، مولود فقر، استبداد و تحقير ملتهاست. تحقير ملتها و توهين به مقدسات هيچ ربطی به آزادي و حقوق بشر ندارد و راه مبارزه با تروريسم نیز تحقير ملتها نيست.

من خودم از روحانيوني هستم که مجدانه موافق حقوق بشر و آزادي انسانها هستم، اما درعين حال نمي‌توان از کنار توهين به مقدسات و تحقير ملتها به سادگي گذشت،

چرا که اين توهينها قطعاً مخالف حقوق بشر و موجب اهانت به مسلمانان و پراکندن بذر خشونت مي‌گردد.

بايد همه تلاش کنيم تا اين معضل را از ريشه بخشکانيم و براي اجرا و احقاق حقوق بشر گامهاي مؤثر تري

برداريم و شاهد زمانه‌اي باشيم که ديگر از ترور و انفجار خبري نباشد.

تروریستها در قعر جهنم هستند

من به سهم خودم بارها انتقاد کرده‌ام و ترور را به طورکلی محکوم کرده‌ام؛ چرا که کشتن انسانها از نظر اسلام بزرگترین جرم است، حتی کسانی که حرکتهاي انتحاري مي‌کنند و عده‌اي را بيگناه مي‌کشند، در قعر جهنم هستند و در اين خصوص هيچ بحثي نيست.

بشریت، خشونت و جنگ

حرکت امروز بشریت به سمت حق و عدالت است و بر خلاف گذشته که جنگ و خشونت را نوعی افتخار می‌دانست، امروز منفورترین موضوع در نزد تمام ملتها جنگ، خشونت و مردم آزاری است. امروز بشر به جای خشونت، منشور حقوق بشر را تدوین کرده است و علیه جنایتکاران جنگی دادگاه تشکیل می‌دهد و اینها همه گویای این است که حرکت بشریت به سمت رعایت حق و عدالت است.

انرژی هسته‌اي

امروزه بحث استفاده از فناوری هسته‌ای در جهت مقاصد صلح‌آمیز از سوی جامعه بشری و دولت‌ها امری واضح و پذیرفته شده است؛ ولی همچنان که مکرراً گفته‌ام از آنجا که تولید و نگهداری سلاح‌های هسته‌ای به نابودی انسان‌ها می‌انجامد حرام است و حتی معتقدم اگر دشمنان از بمب اتم علیه ما استفاده کردند، ما حق چنین مقابله به مثالی را نداریم چرا که این کار سبب ظلم به انسان‌ها و ضرر به آیندگان و موجودات زمین خواهد شد. اگر فرضاً روزی هم بمب اتم در اختیار داشته باشیم مذهب ما اجازه استفاده از آن را به ما نمی‌دهد.

اگر قدرتمندان يك مملکت مورد علاقه مردم باشند، دشمنان آنها حتی با بمب اتم هم نمی‌توانند با آنان مقابله کنند و ضرری را متوجه آنها کنند. پس بهترین راه حفظ حکومتها، ارتباط عمیق با مردم و احترام به آنهاست. من معتقدم بهترین وسیله دفاع، علاقه مردم به حکومت است، لذا باید سیاست‌ها به گونه‌ای

باشد که دولتها مورد علاقه مردم باشند که در این صورت هیچ قدرتی نمیتواند حتی با بمب اتم حکومتی را ساقط کند.

شبيه سازي

از نظر اسلام، شبيه سازي کامل انسان في حد نفسه بلاشکال است و آن را جرم و گناه نمیداند، اما به دليل ايرادات اخلاقي و حقوقي مترتب بر این مسئله جز در موارد ضروري استفاده از آن اشکال دارد، چرا که اگر این امر رایج شود، کانون زندگي اجتماعي و فلسفه خلقت و آفرینش (تولید مثل از طریق ازدواج) از بین می رود و مفسد اخلاقي، اجتماعي و حقوقي فراواني به بار خواهد آورد.

اما شبيه سازي اعضاي بدن انسان و یا سایر موارد مانند شبيه سازي حیوانات به دليل منافع فراوان آن در تأمین سلامتی و رفع نیازهاي انسان نه تنها بلاشکال است، بلکه مطلوب هم هست و باید متخصصین این امر را به جهت تأمین نیازهاي پزشکی

و غذایی بشر ترغیب هم کرد.

ایدز و آگاه سازی جامعه

بر مسئولین بهداشت است که موارد و تماس‌هایی که به گسترش بیماری ایدز می‌انجامد را برای مردم بیان کرده و با آموزش صحیح به آنان، جامعه را در مقابل این بیماری خطرناک بیمه کنند. اگر در مسائل جنسی به جامعه آموزش‌های لازم همراه با حفظ عفت و جلوگیری از انحراف داده نشود، کثرت ارتباط، سبب گسترش بیماری ایدز و برخی دیگر از بیماری‌ها خواهد شد که قطعاً چیزی جز ضرر برای جامعه در پی نخواهد داشت.

باید به بیمار مبتلا به ایدز، به عنوان يك انسان خدمت کرد و سرزنش او به خاطر خطای احتمالی نه تنها فایده‌ای ندارد، بلکه به منزوی شدن فرد بیمار خواهد انجامید، حتی احتمال فراوان وجود دارد که بیمار دست به خودکشی زده و یا از جامعه انتقام بگیرد و این بیماری را در جامعه گسترش دهد. در این

صورت گناه این گرفتاری بر گردن
کسانی است که او را منزوی
کرده اند.

سفید